تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۰۷
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰
صفحه ۲۶-۱
نوع مقاله: ترویجی

فرصت‌الدوله شیرازی و دو فرش قاجاری: بازتاب آثار تاریخی و کتیبه‌های فارسی باستان (خط میخی) در فرش ایرانی

مجتبی درودی (نویسنده‌ی مسئول)
دانشجوی دکتری در رشته‌ی زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه تهران، سرپرست موزه و عضو مرکز پژوهش‌های کتیبه‌شناسی تخت‌جمشید.
doroodi.official@gmail.com
سهیل دلشاد
دکتری ایران‌شناسی، عضو مرکز پژوهش‌های کتیبه‌شناسی تخت‌جمشید
زهرا گل‌محمدی
دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه مونستر

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۴۱
بهار و تابستان ۱۴۰۱

چکیده

در گفتار پیش‌رو به بررسی دو قالی از دوران قاجار متأخر (حوالی سال ۱۳۱۵ هجری قمری) پرداخته می‌شود که یکی از آن‌ها امروزه زینت‌بخش موزه‌ی فرش در تهران است و دیگری در مکانی نامعلوم در کشور آمریکا است. این دو فرش که طراح آن فرصت‌الدوله شیرازی است، از چندین منظر دارای اهمیّت هستند. نخست این‌که طرح‌های موجود در آن از آثار تاریخی، حاصل بازدید طراح از اصل آثار است و دوم این‌که طراح با نسخه‌برداریِ پاره‌ای از کتیبه‌های میخی هخامنشی تلاش نموده از این آثار مکتوب هم در نقوش این دو قالی استفاده کند. موضوع مهم بعدی بستر تاریخی تولید این دو قالی در دوران قاجار متأخر است. فرصت شیرازی به‌عنوان طراح این نقوش نخستین ایرانی به‌شمار می‌آید که در دوران معاصر به یادگیری خطّ و زبان فارسی باستان مبادرت ورزیده است و این دو فرش ازجمله نخستین فرش‌هایی هستند که در طراحی آن‌ها از ترکیب توأمان آثار تاریخی و خط میخی فارسی باستان استفاده شده است. این‌که آثار تاریخی و خطوط میخی ترسیم‌شده بر این دو فرش تا چه اندازه حاصل انتقال یک به یک مشاهدات طراح از آثار بر روی نقش فرش‌ها است و تا چه اندازه طراح در تهیه‌ی طرح‌های این دو فرش از ذوق و قریحه‌ی شخصی خود استفاده کرده از جمله پرسش‌های پژوهش حاضر به‌شمار می‌روند. با این‌که در نگاه کلی هر دو فرش به یکدیگر شبیه هستند امّا در طراحی آن‌ها تفاوت‌هایی دیده می‌شود که سبب می‌شود هر کدام از این دو فرش در جای خود یگانه و منحصربه‌فرد باشند. بنابراین یکی دیگر از اهداف پژوهش حاضر بررسی این تفاوت‌ها است. فرصت‌الدوله بر اماکنی که در هر دو فرش دیده می‌شود توضیحاتی نیز افزوده است که این توضیحات در پاره‌ای از موارد ریشه در باورهای عامیانه مردم آن روزگار دارند.

واژه‌های کلیدی: فرش، فرصت‌الدوله شیرازی، تخت‌جمشید، فارسی باستان، نقوش ساسانی.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

Forsat-al-Dawla Shirazi and Two Qajar Carpets: Depicting Monuments and Old Persian Cuneiform Script on Iranian Carpets

Mojtaba Doroodi (Corresponding Author)
MA of Ancient Culture and Languages of Iran, Manager, Persepolis Museum & The Center for Epigraphical Studies, Persepolis World Heritage Site.
doroodi.official@gmail.com
Soheil Delshad
PhD of Iranian Studies, The Center for Epigraphical Studies, Persepolis World Heritage Site
Zahra Golmohammadi
PhD student in Archaeology, University of Münster

Abstract

This article delves into the intricacies of two Qajar carpets in Tehran's Carpet Museum of Iran and Chicago. These carpets, designed by Forsat-al-Dawla Shirazi around 1897, hold significance due to their depiction of monuments explored by Forsat-al-Dawla Shirazi during his expeditions in the Fars Region in the late Qajar period. The uniqueness of these carpets stems from their incorporation of cuneiform texts copied from Achaemenid royal inscriptions at Persepolis, thus embodying the designer's exploration. Furthermore, these carpets possess historical value for being conceived during the Iranian constitutional revolution in the late Qajar era. Forsat-al-Dawla Shirazi, the first Iranian cuneiformist in the late 19th century, included Old Persian cuneiform and selected Achaemenid and Sasanian monuments in these carpets. The descriptions accompanying each monument in these carpets mirror the traditional recognition of pre-Islamic kings and monuments among Iranians, bridging the gap between historical awareness and scholarly resources on Iran's history in the early 20th century. Despite their overarching resemblance, each carpet exhibits its distinct details absent in the other. This article meticulously examines the motifs, descriptions, and historical context surrounding both carpets, shedding light on the designer's background and other pertinent aspects intertwined with the carpets and Forsat-al-Dawla Shirazi.

Key Words: Carpet, Forsat-al-Dawla Shirazi, Persepolis, Old Persian, Sasanian Reliefs

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۴۱
بهار و تابستان ۱۴۰۱

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

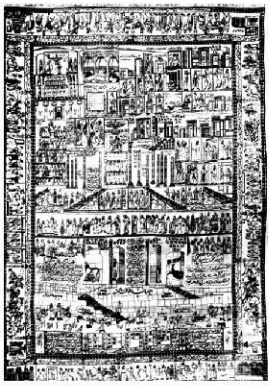
مقدمه

از جمله دست‌بافت‌های نفیس و با ارزش موزه‌ی فرش ایران، یک قالی مربوط به روزگار قاجار است که با توجه به بالاترین متن مندرج در حاشیه‌ی سمت راستِ آن (از نگاه روبه‌رو) به سفارش اسدالله‌خان بهجت‌الملک، نایب‌الایاله‌ی فارس و توسط فرصت‌الدوله در شهر شیراز طراحی شده است و با توجه به نوشته‌ای که در قرینه‌ی همان متن و در حاشیه‌ی بالایی سمت چپ آن قرار دارد؛ در دارالامان کرمان و در کارخانه ۹۲ قرچه‌داغی بافته شده است. این قالی که با شماره صدودوازده (۱۱۲) در دفتر اموال موزه‌ی فرش به ثبت رسیده است؛ در ابعاد ۶۷۷×۴۸۸ از جنس پشم طبیعی و دارای سی‌وپنج رَج با زمینه‌ی کِرمی رنگ است که پیش‌تر در کاخ گلستان بوده است و در تاریخ بیست‌ودوم بهمن‌ماه سال هزار و سیصدو پنجاه و شش، از کاخ گلستان به موزه‌ی فرش منتقل می‌شود.

این قالی دارای سه حاشیه است و در کل دربردارنده‌ی تصاویر متنوعی از مکان‌های باستانی است و طراحِ آن در جای‌جای آن به توصیف آن‌ها پرداخته است. مهم‌ترین و محوری‌ترین تصاویر طرح‌شده که در مرکز اینَ فرش از بالا تا پائین دیده می‌شود به تخت‌جمشید تعلق دارد و بخشی از تصاویر نیز همان کتیبه‌های فارسی باستانِ آن‌جا است که در پاره‌ای از آن‌ها به ویژه در قسمت پایینِ تصاویرِ میانی، خطوط میخی را با علامت‌های فارسیِ مربوط به آن به نمایش گذاشته است که خود نشانی از آشنَایی طراحَ آن نسبت به خطّ و زبان فارسی باستان است؛ به‌گونه‌ای که او را در زمره‌ی نخستین ایرانی قرار می‌دهد که مبادرت به یادگیری این خطّ و زبان کرده است. این فرش علاوه بر اهمیتی که در حوزه‌ی هنر دارد از منظر، خطّ و زبان فارسی باستان، تاریخ و مکان‌های باستانی نیز بسیار حائز اهمیّت است؛ چرا که حاصل مشاهدات طراح آن از اماکن باستانی روزگار قاجار است. در حال حاضر دو تخته از این فرش مشاهده و شناسایی شده است که یکی در آمریکا و در اختیار دانشگاه شیکاگو[1] بوده است و دیگری در تهران و جزو اموال موزه‌ی فرش ایران است (تصویر ۱ و ۲).



تصویر ۱- فرشی که در موزه‌ی فرش ایران است (عکس از: ناصر میزبانی)



تصویر ۲- فرش موجود در آمریکا (Duchesne-Guillemin, 1964: 551–561)

مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش

بدون تردید، نصیرالدین میرزا آقای فرصت حسینی شیرازی، ملقب به فرصت‌الدوله از جمله نوابغ نادر روزگارِ قاجار به‌شمار می‌رود که می‌توان او را در کسوتِ ادیبی هنرمند و تاریخدان به‌شمار آورد. او در سال ۱۲۷۱ هجری قمری در شهر شیراز در خانواده‌ای فرهنگی چشم به جهان گشود. از فرصت‌الدوله آثار متعددی به‌جای

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

مانده است که همگی نشانی از گستره‌ی دانش و هنر او به‌شمار می‌رود. او در علومی چون، صرف، نحو، منطق، حکمت، حساب، هندسه و نجوم سرآمد روزگار خود بود (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۳۷: دیباچه). در شعر و نقاشی نیز هنرمندی تمام عیار است و گواه آن آثار بازمانده از او در این دو هنر است. او در علم جغرافیا و نقشه‌برداری نیز دستی توانا داشته است. همان‌گونه که اشاره شد فرصت شیرازی را می‌توان نخستین ایرانی به‌شمار آورد که به یادگیری خطّ و زبان‌های باستانی ایران مبادرت ورزیده است (در این‌باره نک. فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۲۲: ۱۸–۱۹، نیز بنگرید به Daneshmand, 2021: 275–276).

با توجه به مستندات پژوهش حاضر با جنبه‌ی دیگری از هنر او آشنا می‌شویم؛ به‌گونه‌ای که در کسوت طراحی توانمند در حوزه‌ی فرش ایرانی مشاهده می‌شود که از این منظر تاکنون آن‌گونه که بایسته است به او پرداخته نشده است. طرح این فرش را فرصت‌الدوله به سفارش اسدالله‌خان بهجت‌الملک که نایب‌الایاله‌ی فارس بوده است پی می‌افکند. در مورد ایشان می‌بایست اشاره داشت که اسدالله‌خان میرپنجه از ملازمان و یاران عبدالحسین میرزای فرمانفرما[۲] بوده است. به‌نظر می‌رسد که بافت این فرش می‌بایست در حوالی سال‌های ۱۳۱۵–۱۳۱۶ هجری قمری نقش بسته باشد؛ یعنی همان سالی که فرمانفرما مأمور حکومت فارس شد. (اتحادیه و سعدوندیان، ۱۳۶۲: ج ۲۳/۱). درباره‌ی کارخانه‌ی قرچه‌داغی که در فرش به آن اشاره شده است نیز می‌بایست خاطرنشان کرد که جایگاه اصلی تشکیلات قرچه‌داغی (قراجه‌داغی) همان‌گونه که از نامش نیز پیداست؛ در شهر تبریز بوده است که از آن با عنوان دارالسلطنه قراجه‌داغی یاد شده است که در طراحی و ترسیم نقشه نیز شهره بوده است (بانی‌مسعود، ۱۳۸۶: ۶۹ و ۷۳). به احتمال زیاد؛ این کارخانه می‌بایست در ضمن اصلاحات فرمانفرما ایجاد شده‌باشد؛ ایشان گروه قابل توجهی از افراد صاحب فن را از آذربایجان در کرمان استقرار داد (فرمانفرمائیان، ۱۳۸۲: ج ۱۲۱/۱). به‌ویژه در حوزه‌ی فرش تحوّل بزرگی را در کرمان به‌وجود آورد و یک کارخانه‌ی قالی‌بافی در کرمان ایجاد کرد (فرمانفرمائیان، ۱۳۸۲: ج ۱۲۷/۱).

جالب این‌که به‌نظر می‌رسد فرمانفرما از جمله نخستین افرادی بوده است که استفاده از نقش‌های باستانی در قالی ایرانی را رواج داده است (فرمانفرمائیان، ۱۳۸۲: ج ۱۲۵/۱، نیز بنگرید به Schlamminger & Wilson, 1980: 83). این موضوع به ویژه به برخی از تحوّلات اجتماعی اواخر روزگار قاجار بازمی‌گردد (وندشعاری، ۱۳۸۷: ۸۸) که با فراهم شدن بستر تاریخی آن، همزمان با جنبش مشروطه‌ی روح ملی رو به افزایش نهاده و فرش به‌عنوان یکی از نمادهای فرهنگ ایرانی در کنار آثار باستانی که آن نیز ریشه در فرهنگ و تاریخ ایران دارد، به‌عنوان موضوعی اساسی در میان روشنفکران جامعه به‌شمار می‌رود. این‌گونه است که چنین طرح و نقشه‌هایی به ویژه در آثار فرصت‌الدوله شیرازی متبلور می‌شود.

در مورد فرشی که در دانشگاه شیکاگو بوده است پیشتر درباره‌ی آن مقاله‌ای به رشته‌ی تحریر درآمده است (Duchesne-Guillemin, 1964: 551–561). درباره‌ی فرش موجود در ایران نیز، تنها اشمیت مقاله‌ای را در ارتباط با خطوط میخی آن نوشته است (Schmitt, in press). لازم به ذکر است از دو منظر پژوهش حاضر با دو اثر اشاره شده؛ تفاوت دارد: نخست تفاوت برخی از طرح‌های دو قالی دانشگاه شیکاگو و موزه‌ی فرش ایران است که نشان می‌دهد فرصت‌الدوله دو طرح جداگانه را ترسیم کرده است؛ از همین‌روی در این جستار این تفاوت‌ها نیز به تحلیل و بررسی نهاده شده است. دو دیگر این‌که دوشن‌گیمن در مقاله خود به ذکر کلیّات پرداخته است حال آن‌که در این پژوهش تمامی جزئیات؛ به‌ویژه کتیبه‌های به‌کار برده‌شده در قالی و نیز تفاوت‌های موجود در هر دو فرش نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. اشمیت نیز تنها بر متن‌های میخی موجود در فرش تهران متمرکز است و به دیگر نوشتارهای فارسی پرشمار این قالی نپرداخته است. با توجه به این نکته که اشمیت به صورت مفصل و جزئی به متون میخی روی این فرش تمرکز دارد، در اثر پیش رو تنها به اشاره اجمالی به این خطوط اکتفا می‌شود.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

بیان مسأله و سؤال تحقیق

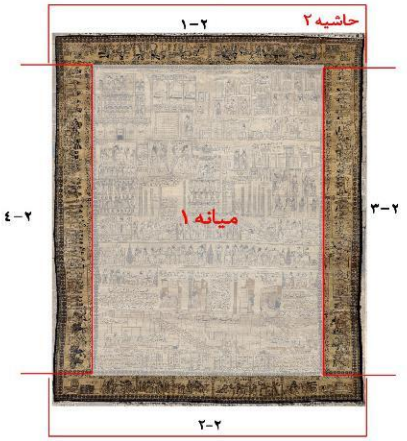
از آن‌جا که این دو فرش در زمره‌ی نخستین فرش‌های ایرانی مزیّن‌شده به آثار تاریخی و خطّ میخی هستند، پرسش‌های بنیادین پژوهش حاضر حول محتوای نقوش، طراح این دو فرش و بستر تاریخی تولید این دو اثر مهم شکل گرفته‌اند. در رابطه با محتوای نقوش، نخستین پرسشی که متبادر می‌شود این است که آثار منعکس‌شده بر این دو فرش و نشانه‌ها و کتیبه‌های میخی تا چه اندازه برابر عینی دارند با آنچه که در تخت‌جمشید مشاهده می‌شوند؟ یا این‌که فرصت‌الدوله برخی از آثار و کتیبه‌ها را تنها به روشی انتزاعی و بر اساس خلاقیت شخصی خود بر طرح‌های این دو فرش پیاده کرده است؟ در کنار بحث در رابطه با نقوش و خطوط، لازم است به توضیحات افزوده شده بر هر بخش از این نقوش نیز پرداخته شود تا روشن شود این توضیحات بر چه مبنایی و با چه اهدافی به نقوش اضافه شده‌اند.

مسأله‌ی دیگر در رابطه با محتوای هر دو فرش این است که هرچند هر دو فرش در نگاه کلّی بسیار به یکدیگر شباهت دارند امّا تمرکز بر محتوای هر دو و مقایسه‌ی نقوش نشان می‌دهد تفاوت‌هایی وجود دارد و پرداختن به این تفاوت‌ها یکی از مواردی است که ما را در درک بهتر محتوای دو فرش یاری می‌رساند.

یکی دیگر از مسائلی که پرداختن به آن در پژوهش حاضر ضروری است، پیشینه‌ی کاری و فکری طراح این نقوش یعنی فرصت‌الدوله‌ی شیرازی و موقعیت زمانی و مکانی که وی در آن به طراحی این دو فرش و همچنین تولید مکتوبات مفصل در رابطه با آثار تاریخی ایران و کتیبه‌های هخامنشی دست یازیده است.

روش تحقیق

برای بررسی نوشته‌ها، نقش‌ها و مضامین این دو فرش کوشش شده است با شماره‌گذاری بر روی قالی‌های مورد نظر مضمون و محتوای آن‌ها از نظر گذرانده شود. در این راستا فرش مذکور به دو قسمت میانی و حاشیه تقسیم شده است که قسمت میانی فرش با شماره‌ی ۱ مشخص شده است و بخش حاشیه‌ای فرش نیز با شماره‌ی ۲ قابل مشاهده است؛ واضح است که بخش حاشیه‌ی فرش با توجه به دربرداشتن چهار حاشیه‌ی خود به چهار قسمت تقسیم شده است (تصویر ۳).

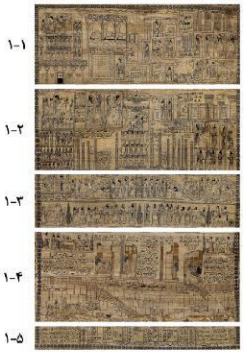


تصویر ۳- تقسیم‌بندی فرش به دو قسمت کلی (میانه‌ی ۱ و حاشیه‌ی ۲)

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

تقسیم‌بندی هرکدام از بخش‌های ۱ و ۲ نیز شماره‌گذاری و لایه‌بندی شده است. در این روند فرش ایران به‌عنوان پایه‌ی پژوهش در بررسی حاضر در نظر گرفته‌شده است که شرح آن در فرازهای زیر از نظر خواهد گذشت.

بخش میانی با شماره‌ی ۱ دربردارنده‌ی ۵ قسمت است که هر قسمت به همراه زیرمجموعه‌های آن با شماره‌گذاری به‌صورت مجزا مورد تحلیل قرار گرفته است (تصویر ۴).



تصویر ۴- بخش میانی فرش و ۵ قسمت کلی مربوط به آن.

تحلیل

بالاترین بخش از کادر میانی فرش ۱-۱ (تصویر ۵ و ۶)

در این تقسیم‌بندی تصاویر موجود در بالاترین بخش از کادر میانی با شماره‌ی ۱-۱ قابل مشاهده است (تصویر ۴) که در این گفتار در شش زیرمجموعه لایه‌بندی شده است که شرح آن‌ها از نظر گذرانده می‌شود.

۱-۱-۱: نمایی از کوه رحمت است که این عبارت در توضیح آن آمده است: «کوه تخت‌جمشید در سمت شرقی مرودشت، کوهی است که تخت‌جمشید در دامنه‌ی آن است. این کوه را در این عصر کوه رحمت می‌نامند».

۱-۱-۲: در بالاترین قسمت سمت چپ قاب میانی، تصویر یکی از مقابر هخامنشیِ تخت‌جمشید- آرامگاه شمالی- دیده می‌شود. ورودی آرامگاه و تزئینات حاشیه‌ی آن، اقوام تابعه که تخت شاهی را حمل می‌کنند، خودِ شاه و آتشدانِ جلوی او، قرص خورشید و نقش گردونه‌ی انسانِ بالدار موسوم به فروهر و سربازان و محافظان تخت، همگی در این قسمت به تصویر کشیده شده‌اند و در کنار هر نقش از بالا به پایین این واژگان و عبارات آمده است: «پادشاه»، «فروهر»، «قرص خورشید»، «مجمر آتش»، «درب دخمه» و «ایوان جلو دخمه». این نقش و عبارت‌ها در فرش دانشگاه شیکاگو نیز به‌همین صورت دیده می‌شود (تصویر ۵-۶). طرح فرش در این قسمت اگرچه نه در جزئیات امّا به‌طور کلی به تصویر شماره‌ی ۲۷ کتاب آثار عجم شباهت دارد (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۴: ۱۸۴).

۱-۱-۳-: در این بخش سه صحنه دیده می‌شود. نقش بالایی، به آرامگاه جنوبی تخت‌جمشید تعلق دارد و متن توضیحی آن بدین‌قرار است: «نقشه اندرون دخمه سلاطین در کوه تخت‌جمشید، در آن شش قبر است و الواح آن‌ها را شکسته‌اند». این صحنه با نقاشی شماره‌ی ۲۸ کتاب آثار عجم، با تفاوت‌های جزیی مطابقت دارد. در زیر دخمه دو طرح دیده می‌شود، نخست طرحی از کاخ صدستون است که بر فراز آن نوشته شده است: «نقشه عمارت صدستون هر یک از عرض و طولش هشتاد ذرع است». این طرح از صدستون را می‌توان بر تصویر

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

شماره‌ی ۱۶ کتاب آثارعجم مشاهده نمود (برای بررسی توضیحات فرصت‌الدوله درباره‌ی صدستون بنگرید به فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۴: ۱۷۲-۱۷۹، برای بررسی کاخ صدستون که بدان تالارتخت نیز گویند بنگرید به اشمیت، ۱۳۴۲: ۱۲۸-۱۳۶). در کنار طرح صدستون، تصویر نقش‌برجسته مردی دیده می‌شود که بر فراز آن نوشته است: «عمارت خراب». در فرش دانشگاه شیکاگو نیز همین طرح و نقش قابل مشاهده است.

۱-۱-۴: این بخش از کادر میانی به جهت دربرداشتن خطِ میخی فارسی‌باستان حائز اهمیّت است. طرح‌های این بخش دربردارنده‌ی دیوارهای مخروبه‌ی تخت‌جمشید است که بر فراز آن‌ها این عبارت آمده است: «عمارت قدیم تخت‌جمشید». پس از آن نقش‌برجسته‌ی مردی که احتمالاً پادشاه است و در کنار آن دیواری دیده می‌شود که بالای آن نوشته شده است: «این عمارت بسیار کهنه و قدیم است» و عبارت «دروازه» در میانه‌ی آن دیده می‌شود. مشخص نیست این تصویر به کدام نقطه از تخت‌جمشید اشاره دارد. با توجه به وضعیت تخت‌جمشید در پیش از کاوش ممکن است این تصویر به بخشی از کاخ خشیارشاه موسوم به هدیش اشاره داشته باشد. تصویرِ پس از آن، دو مرد را در حال هدایت دو گوسفند به نمایش می‌گذارد که در کنار آن نوشته شده است: «روستایی» و در بالای آن‌ها نیز این توضیح دیده می‌شود: «این اشکال در عمارت اردشیر است» که به احتمال زیاد به کاخ H در تخت‌جمشید تعلق دارد (درباره‌ی این کاخ بنگرید به اشمیت، ۱۳۴۲: ۲۷۴-۲۷۵).

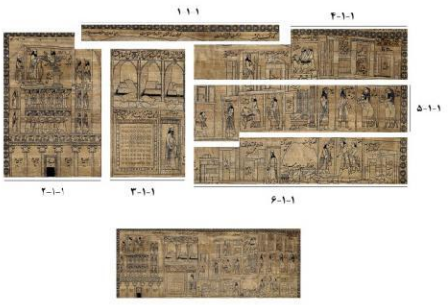
افرادی را که فرصت روستایی عنوان کرده است؛ در اصطلاح امروزی همان هدیه‌آوران هستند. پس از آن دیوارهایی از تخت‌جمشید دیده می‌شود که سه کادر فارسی دیگر بدین‌قرار در آن خوانش می‌شود: «ارتخشترا یعنی اردشیر و آن را بهمن درازدست نیز گویند» و بعد از آن: «خدای بزرگ مرا که ارتخشترا هستم پادشاه کرد». این عبارت صورت صحیح ترجمه‌ی بخشی از کتیبه‌ی اردشیر سوم است که در سطرهای زیر از نظر خواهد گذشت. در طرح دهانه‌ی یک درگاه هم این نوشته آمده است: «درگاه خراب» و بر بالای آن نشانه‌های میخی در سه سطر از بالا به پایین بدین‌صورت طرح زده شده است (حرف‌نویسی): «a-r-t-x-š-ç-a :-m-a-m» که بخشی از سطر پنجم کتیبه‌ی A^3Pa از اردشیر سوم هخامنشی است. صورتی از ضبط صحیح خطِّ میخی فارسی باستان که طراح هنرمند و دانشمند آن، برای ما در این قالی به یادگار گذاشته است. ترجمه‌ی این جزء را می‌توان به‌صورت: (مرا که اردشیر [هستم]) در نظر گرفت. قالی دانشگاه شیکاگو اگرچه دربردارنده‌ی همین طرح‌ها است؛ امّا در این قسمت تفاوت‌های جزیی با فرش ایران دارد (نک. جدول ۱). این تفاوت به ویژه در زیر خطّ میخی و دیوارهای ترسیم‌شده قابل مشاهده است (برای بررسی مطالب این بخش در کتاب آثار عجم بنگرید به فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۴: ۱۷۱-۱۷۲).

۱-۱-۵: طرح‌ها و تصاویر این بخش نیز ادامه‌ی همان تصاویر موجود در ورودی شمالی کاخ H در تخت‌جمشید است. شایان ذکر است این بخش هم در دو قالی دارای تفاوت‌های اندکی است. به‌عنوان مثال تصاویر انسانی در قالی دانشگاه شیکاگو ده نفر و در قالی موزه فرش هشت تن را شامل می‌شود. یا در قالی ایران هشت نوشته کوتاه و در فرش شیکاگو هفت نوشته قابل مشاهده است (نک. جدول ۱). عبارت‌های این بخش از چپ به راست بدین‌قرار هستند: در کادر کناری مردی که نیزه در دست دارد نوشته شده «سپاهی»، در کنار مردی که در حال هدایت یک گوسفند است؛ آمده: «در عمارت قدیمه است» که احتمالاً منظور همان کاخ H است. بعد از آن: «خادم» و عبارت: «بناهای مخروبه» و پس از آن باز مرد نیزه به دست: «سپاهی؟» و در کادر کنار مرد ایستاده جلوی آن، آمده است: «در عمارت اردشیر است» و پس از آن دو مرد را که شیرهایی را بر دوش دارند به تصویر درآمده‌اند که دو عبارت در کنار آن‌ها آمده است: «شیر را صید نموده» و «شیر را شکار کرده»؛ این نقش امروزه به‌صورت مردانی که پوست شیر بر دوش دارند قابل مشاهده است، این صحنه مربوط به کاخ H است در قالی دانشگاه شیکاگو بعد از این‌دو

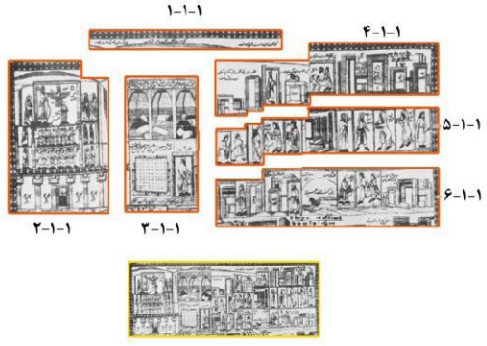
[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

تصویر مردی که روی به سمت راست دارد قابل مشاهده است اما فرش ایرانی فاقد این تصویر است.

۱-۱-۶: طرح‌های این بخش نیز در دو قالی متفاوت از یکدیگر هستند؛ مثلاً در قالی موزه‌ی فرش چهار تصویر انسانی و در فرش دانشگاه شیکاگو پنج‌تن دیده می‌شوند (نک. جدول ۱). نوشته‌های قالی موزه‌ی فرش از چپ به‌راست در کنار مرد ایستاده بدین‌قرار هستند: «عمارت خراب»، «جدار ...(؟)»، «عمارت مخروبه قدیم در تخت‌جمشید» و در زیر آن: «ایوان ویران»، «قطعه کوهی است در عرصه تخت‌جمشید» و در زیر آن: «بنیان گسیخته و احجار در هم‌ریخته» در بالای سر مرد جوانی که کوزه‌ای در دست دارد: «در سراهای قدیمه» که در کنار آن تصویر دو مرد که یکی دست دیگری را گرفته است و با تفاسیر امروزه می‌دانیم که او راهنمای دیگری است که عبارت صادقانه‌ی فرصت شیرازی این واژه است: «مقصّر» گو این‌که فرصت بر این باور است که آن مرد دست مجرمی را گرفته است و سرانجام تصویر دیوارهایی است که در فراز آن نوشته شده است: «سراهای قدیمه و عمارات کهنه در تخت‌جمشید» و در میان درگاهی آمده است: «کریاس شکسته الماس (؟)» و کریاس به معنی آستانه‌ی در، درگاه و دهانه یا مدخل چادر است[۳]. این صحنه در فرش دانشگاه شیکاگو با اندک تفاوتی دیده می‌شود.



تصویر ۵- سمت راست: نخستین بخش از کادر میانی فرش ایران.



تصویر ۶- سمت چپ: نخستین بخش از کادر میانی فرش دانشگاه شیکاگو

دومین بخش از کادر میانی فرش ۱-۲ (تصویر ۷ و ۸)

این بخش با شماره‌ی ۱-۲ در کادر میانی قابل مشاهده است که در ۵ قسمت لایه‌بندی شده است.

۱-۲-۱: در این بخش طرحی از نقش‌های کاخ صدستون دیده می‌شود که در هر دو قالی یکسان است. در قسمت بالای سمت چپ این طرح نوشته‌ای بدین‌مضمون آمده است: «می‌نماید بقرینه که این پادشاه داریوش باشد». در سمت راست این صحنه نیز نوشته‌ای مربوط بدان وجود دارد که بدین مضمون است: «این پادشاه که بر کرسی نشسته با چند رسته آدم که در زیر تخت اویند، تمام در بدنه‌ی درگاه شمالی عمارت صدستون است» (تصویر ۷ و ۸). این تصویر در کتاب آثار عجم با شماره ۲۴ با جزئیات بیشتر دیده می‌شود (برای بررسی توضیحات فرصت‌الدوله بنگرید به فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۴: ۱۷۹).

۱-۲-۲: در این بخش دو طرح از جدال شاه با حیوان افسانه‌ای به تصویر کشیده شده است که بر فراز آن‌ها در دو کادر موازی عبارت: «اشکال بدنه‌ی درگاه غربی و شرقی عمارت صدستون» قید شده است و دوبار واژه‌ی «ابوالهول» بر اندام

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۴۱
بهار و تابستان ۱۴۰۱

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

حیوانات اساطیری قید شده است. این تصویر را می‌توان با شکل شماره‌ی ۲۲ کتاب آثار عجم منطبق دانست. با این توضیح که فرصت‌الدوله در کتاب آثار عجم در توصیف این نقش‌برجسته شعری را سروده است که به قرار زیر است (تصویر ۹).

حیوانی یک از کیان به استخر — کُشت و بر سنگ کرد تصویرش
این‌چنین خلقتی که معدوم است — کرد فرصت به‌نفس تعبیرش

(فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۴: ۱۷۶)

در زیر این دو صحنه متنی در توضیح کاخ صدستون آمده است که بدین‌قرار است: «یکی از ابنیه‌ی تخت‌جمشید عمارت صدستون است که نقشه‌ی عرصه‌ی آن در فوق نموده آمده در این عمارت چون خطی نیست بانی آن مجهول است[۴]». در زیر آن طرح نیز، تصاویر و طرح‌های ۵ ستون از ستون‌های افراشته‌ی کاخ آپادانا است که فرصت‌الدوله از آن با عنوان چهل‌ستون یا چهل‌منار یاد می‌کند (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۴: ۱۶۲-۱۶۴، برای بررسی کاخ آپادانا نیز بنگرید به اشمیت، ۱۳۴۲: ۷۰-۸۴). نخست در فضای میانی ستون‌ها این عبارت آمده است: «هر ستونی سه یا چهار پارچه است» و کادری در پنج سطر در پایین ستون‌ها این عبارات را در خود دارد: «این سیزده ستون که برپاست با پنجاه‌وهفت ستون دیگر که بر زمین افتاده تمام در عمارت خشایارشاهی است... و بر سر هر ستون مجسمه‌ی حیوانی بوده و ستون هفده ذرعی و کمتر دارد». این قسمت در هر دو فرش مورد بررسی به یکدیگر شباهت دارند.

۱-۲-۳: این کادر، تخت‌شاهی و اورنگ‌بران درگاه جنوبی صدستون را به‌تصویر کشیده است. اورنگ‌بران از پایین به بالا در سه ردیف دیده می‌شوند، بعد از آن، پادشاه که بر تخت نشسته به همراه خدمتکار خود که روی به‌سمت چپ دارند و طرحی از چادری که بر سر پادشاه است با شیرهایی که از دو سو فروهری را در میانه گرفته‌اند و بر فراز آن‌ها هم نشانه‌ی فروهر اهورَمزدا است. بر فراز فروهر عبارتی که قید شده است بدین‌قرار است: «صورت فروهر یعنی ربّ‌النوع انسان». عبارت: «این پادشاه شاید که داریوش باشد» در جلو و عبارت: «این اشکال در بدنه‌ی درگاه جنوبی عمارت صد ستون است» در پشت سر پادشاه قابل مشاهده است. این صحنه با تصویر شماره ۲۳ کتاب آثار عجم قابل تطبیق است. در این بخش طرح هر دو فرش مورد بحث یکسان است.

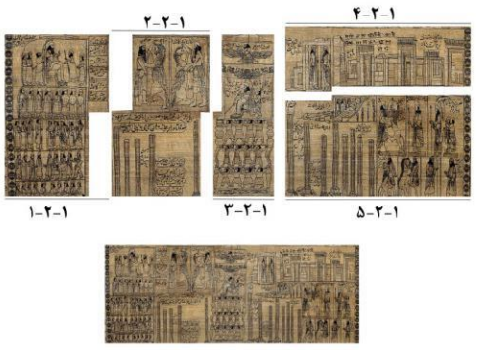
۱-۲-۴: طرح‌های این بخش نیز به جهت در برداشتن دومیّن طرح خطّ میخی بسیار اهمیّت دارد. این بخش با این عبارت آغاز می‌شود: «این اشکال در عمارت داریوش است» پس از آن دو مرد که نیزه در دست دارند و از جمله‌ی نقش‌برجسته‌های درگاه ورودی هستند دیده می‌شود که روبه‌روی یکدیگر ایستاده‌اند. پس از آن دیوارهای کاخ امروزی تچر قابل مشاهده است که در گوشه‌ی آن نوشته شده است: «عمارت داریوش» و بر فراز آن خطّ میخی فارسی باستان در سه سطر مشاهده می‌شود که حرف نویسی آن بدین‌قرار است: «d-a-r-y-v-u-š: x-š-a-y-θ-i-y: v-z-r-k» که بخش‌های آغازین کتیبه DPa است و همان کتیبه‌ی داریوش در تچر است. ترجمه‌ی این بخش: «داریوش شاه بزرگ» است و همین ترجمه را فرصت‌الدوله در کنار عبارت میخی بدین‌صورت آورده است: «داریوش یعنی دارا، پادشاه بزرگ این عمارت را ساخته». هر دو قالی در این قسمت به‌طور کلی به یکدیگر شباهت دارند. طرح کامل‌تری از این تصویر به شماره‌ی ۲۱ در کتاب آثار عجم قابل مشاهده است (برای بررسی کاخ تچر یا کاخ داریوش بنگرید به اشمیت، ۱۳۴۲: ۲۱۸-۲۱۹).

۱-۲-۵: هشت ستون برافراشته در این بخش مشاهده می‌شود که قرینه‌ای برای پنج ستون بخش ۱-۲-۲- است و بدون تردید به کاخ آپادانا تعلق دارد که مجموعاً سیزده ستونی است که فرصت‌الدوله در آن‌جا مشاهده کرده است. امروزه همچنان این سیزده ستون قابل مشاهده است. نخستین عبارت در زیر ستونی قید شده است

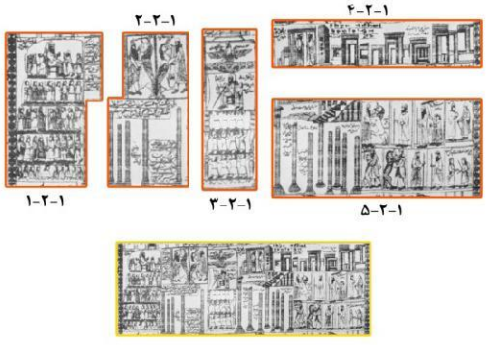
[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

که بخشی از سرستون در آن دیده می‌شود: «این ستون که فراز آن دستی از مجسّمه‌ی گاو باقی است قریب هفده ذرع است» و در کنار آن و در میان دو ستون دیگر این توضیح آمده است: «قطر تنه‌ی ستون‌ها پنج ذرعی می‌شود و پایه‌ی آن‌ها از شش ذرع بیشتر است». عبارت دیگری که بر فراز ستون ها در سمت چپ دیده می‌شود بدین‌قرار است: «بر سر هر ستونی مجسمه‌ی حیوانی بوده که بر زمین افتاده» و بر فراز آن پله‌هایی مشاهده می‌شود که جهت آن‌ها رو به بالا است که دربردارنده‌ی دو عبارت است: «پله‌های عمارت داریوش» و «خرابه‌های پای پله عمارت» در پله‌ها هم تصویر سه‌تن در هر دو قالی مشاهده می‌شود (نک تصویر: ۷ و ۸). پس از آن، طرح‌ها دربردارنده‌ی تصاویری از نقش‌برجسته‌های تخت‌جمشید است که در دو ردیف از بالا به پایین قابل مشاهده است.

ردیف بالا در فرش موجود در ایران دربردارنده‌ی سه کادر و پنج نقش انسانی است؛ در حالی‌که فرش دانشگاه شیکاگو چهار کادر با هفت نقش انسانی را نمایش می‌دهد. ردیف پایین نیز در فرش ایرانی دربردارنده‌ی چهار کادر با چهار نقش انسانی است. در حالی‌که فرش دانشگاه شیکاگو پنج کادر و شش نقش انسانی را دربردارد (نک. جدول ۱). نخستین طرح ردیف بالا نبرد شاه یا پهلوان مربوط به درب شرقی عمارت صدستون است در کنار تصویر (شاه/پهلوان) نوشته شده است: «[داریوش/پادشاه]؟» و در کنار تصویر موجودی که نیزه در شکمش فرو رفته است آمده است: «[...] یعنی ابوالهول»، پس از آن مردی ایستاده با نیزه‌ای در دست دیده می‌شود که در کنار آن آمده است: «این صورت در عمارت داریوش است» پس از این نقش، شاه و دو نفر خدمه‌اش دیده می‌شود که این عبارت در کنار آن است: «صورت داریوش با دو نفر نوکر». در قالی دانشگاه شیکاگو چهره دو نفر دیگر در حال گفتگو دیده می‌شود که متنی در بالای آن درج شده است و قالی ایرانی فاقد این تصویر است (نک. جدول ۱). در طرح‌های پایینی نیز نبرد شاه با شیر به همراه متن کنار آن: «جنگ داریوش با شیر» و نبرد شاه با حیوان افسانه‌ای که بر بدنه‌اش نام «ابوالهول» درج شده است و دو مرد نیزه به دست که روبه‌روی یکدیگر ایستاده‌اند دیده می‌شود و در کنار مرد سمت چپ نوشته شده است: «این صورت‌ها در عمارات داریوش است» (نک: تصاویر ۷ و ۸).



تصویر ۷- سمت راست: دومین بخش از کادر میانی در فرش ایران.



تصویر ۸- سمت چپ: دومین بخش از کادر میانی فرش دانشگاه شیکاگو.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]



تصویر ۹- تصویر شماره ۲۲ از کتاب آثار عجم، قابل قیاس با بخشی از تصویر ۱-۲-۲

سومین بخش از کادر میانی فرش ۱-۳ (تصویر ۱۰ و ۱۱)
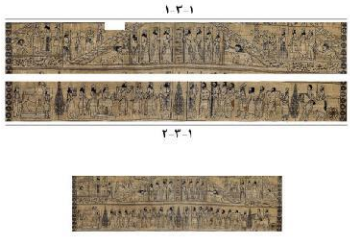
این بخش با شماره‌ی ۱-۳ در کادر میانی (تصویر ۴) و در ۲ قسمت قابل مشاهده است.

۱-۳-۱: تمام عرض میانه‌ی قالی در این بخش به احتمال زیاد، مربوط به تصاویر و نقش‌برجسته‌های، بخش شمالی از راه‌پله‌ی شرقی کاخ خشیارشاه است (در این‌باره بنگرید به اشمیت، ۱۳۴۲: ۲۳۴، لوح ۱۶۸ و ۱۶۹). در این بخش بیست و دو نقش انسانی، به همراه چهار بار تکرار نقش شیرگاوشکن مشاهده می‌شود. نخستین صحنه در منتهی‌الیه سمت‌چپ پله‌ها به همراه نقش شیرگاوشکن شروع می‌شود و پس از آن هفت نقش انسانی و پله‌ها را دربر می‌گیرد.

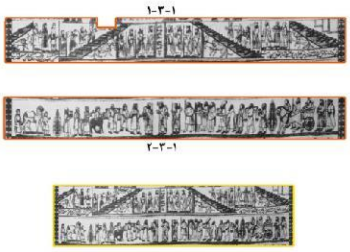
در زیر پای نقش شیر و گاو این نوشته دیده می‌شود: «مضمون ترجمه‌ی خطوط در این عمارت قریب است به آن‌چه بالای سر مجسمه‌ها نوشته شده». این اشاره فرصت مربوط به دروازه‌ی ملل است که پس از بررسی بخش‌های پایینی فرش مشخص می‌شود. نقش شیر گاوشکن و پس از آن هشت سرباز پارسی در دو سوی کتیبه‌ای میخی و به قرینه‌ی آن نقش شیرگاوشکنِ دیگر به همراه پله‌ها همگی تداعی‌کننده‌ی پلکان شرقی کاخ خشیارشاه به شمار می‌رود. حرف نویسی کتیبه‌ی میخی در طرح فرصت شیرازی بدین قرار است: «x-š-y-a-r-š-a: x-š-a-y-ϑ-i-y» که در هشت سطر و در میان دو گروه چهارتایی سربازان که در دو سوی کتیبه دیده می‌شوند؛ بافته شده است و سطر هشتم و نهم از کتیبه‌ی XPd و مربوط به همان پلکان و به معنی (خشیارشاه) است. در انتهای سمت راست این بخش و به قرینه سمت چپ همان و درست در زیر پای شیرگاوشکن عبارتی که به فارسی نوشته شده است چنین است: «این یک رسته نقوش از پله و صورت و دو رسته پایین تمام در پای عمارت خشایارشاه است». این طرح در هر دو فرش مورد اشاره به یکدیگر شباهت دارد.

۱-۳-۲: این بخش نیز دربردارنده‌ی نقوش انسانی و حیوانی ایوان شمالی آپاداناست[5] که صحنه‌ای از حضور نمایندگان اقوام تابعه و بزرگان و سربازان ایرانی است. نکته: این بخش در دوقالی تفاوت‌هایی با هم دارند. به‌عنوان مثال سه درخت سرو در فرش ایرانی دیده می‌شود و در فرش شیکاگو دو درخت وجود دارد یا آخرین تصویر سمت راست فرش ایرانی ارابه‌ای است؛ حال آن‌که در فرش شیکاگو بعد از آن دو نقش انسانی نیز دیده می‌شود (نک. جدول ۱). نقش‌های انسانی فرش ایران بیست و دو امّا نقش‌های انسانی فرش شیکاگو بیست و شش مورد است (تصویر ۱۰ و ۱۱، برای بررسی مطالب فرصت درباره‌ی این بخش از تخت‌جمشید بنگرید به فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۴: ۱۶۲-۱۶۵).

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]



تصویر ۱۰- سمت راست: سومین بخش از کادر میانی در فرش ایران



تصویر ۱۱- سمت چپ: سومین بخش از کادر میانی در فرش دانشگاه شیکاگو

بخش چهارم از کادر میانی فرش ۱-۴ (تصویر ۱۲ و ۱۳)

این بخش نیز با شماره‌ی ۱-۴ در کادر میانی قابل مشاهده است (تصویر ۴) که در ۲ قسمت بنابر حروف الفبا بررسی می‌شوند.

۱-۴-۱: دو سوی سمت چپ و راست این بخش، ادامه‌ی تصاویر هدیه‌آوران ایوان شمالی آپاداناست؛ امّا در همین قسمت، تصاویر دروازه‌ی ملل کنونی در تخت‌جمشید هم دیده می‌شود. سه متن فارسی در فضای چپ و راست و میانه‌ی این قالی به همراه چهار کتیبه‌ی میخی همگی به دروازه‌ی ملل تعلق دارند که به تشریح آن‌ها پرداخته می‌شود. این فضا در سمت چپ با طرحی از هدیه‌آوارن (آپادانا) آغاز می‌شود که در زیر آن عبارتی به فارسی در چهار سطر وجود دارد که در اصل به ترجمه‌ی کتیبه‌ی خشیارشاه در دروازه‌ی ملل تعلق دارد و متن آن بدین‌قرار است: «خلاصه از ترجمه‌ی بالای سر مجسّمه‌ها، بزرگ است آ [ن] که زمین و آسمان و آدم را بیافرید و خشیارشاه را پادشاه کرد منم پادشاه بزرگ پادشاه پادشاهان از نژادِ کیان که به قدرت این دروازه را از جهت خود ساخته‌ام که همه‌ی طوائف را در آن نشان داده‌ام. بعضی ترجمه‌ی خشیارشاه را به گشتاسب نموده‌اند و برخی به اسفندیار که بیونانی زرکزس خوانده شده». بعد از آن طرح دو گاومرد (لَمَسّو) کنونی دروازه‌ی ملل دیده می‌شود که بر بالای هریک عباراتی با خطّ میخی فارسی باستان و مربوط به کتیبه‌ی XPa یعنی کتیبه‌ی خشیارشاه در دروازه‌ی ملل را می‌توان مشاهده نمود که نخستینِ آن در چهارسطر و بدین‌قرار است: «a-d-m: x-š-y-a-r-š-a: x-š-a-y-ϑ-i-y» که ترجمه‌ی آن چنین است: (من خشیارشاه). بر فراز گاومردِ پس از آن نیز تنها نام خشایارشاه در دو سطر بدین‌ترتیب قید شده است: «x-š-y-a-r-š-a».

پس از آن کادری در شش سطر به فارسی دربردارنده‌ی این عبارت است: «این چهار مجسمه پایه‌ی دیوار دروازه و دالان عمارتی است که تصویرهای روی احجار آن بر فوق نموده شده و بالای سر هر مجسمه در سه مربع به سه رقم خط میخی بر سنگ نقر کرده‌اند ولی تمام به یک مضمون است که ترجمه‌ی آن‌ها را خلاصه کرده در طرف دست چپ قالی نوشته شده». بعد از آن طرح دو گاومردِ دیگر و باز تکرار همان عبارات میخی قابل مشاهده است. نخستین عبارت این‌بار نام خشیارشاه «x-š-y-a-r-š-a» و پس از آن: «a-d-m: x-š-y-a-r-š-a: x-š-a-y-ϑ-i-y» آمده است که همان تکرار متن پیش و مربوط به کتیبه‌ی XPa است. سرانجام در قرینه‌ی سمت راست این بخش باز تصاویری از هدیه‌آوران ایوان شمالی آپادانا دیده می‌شود که این تصاویر انسانی در فرش ایران چهارتن و در فرش دانشگاه شیکاگو هفت نفر هستند و در زیر آن عبارتی به فارسی در کادری چهار سطری آمده است که مضمون آن چنین است: «بر سر پلّه‌ی تخت چهار حیوان مجسمه هستند. بعضی نوشته‌اند به اعتقاد کیان گاو اول خلقت است در پیدایش این جهان

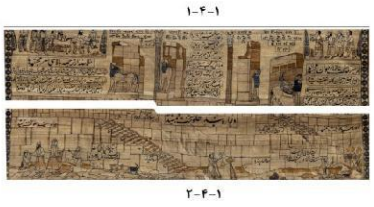
گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۴۱
بهار و تابستان ۱۴۰۱

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

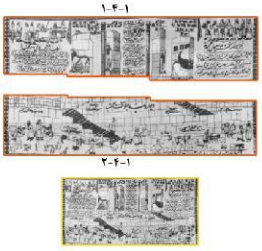
و کیومرث اول پادشاه بوده بر روی زمین، پس شاید ترکیب این مجسمه‌ها از گاو و انسان اشاره به این معنی باشد[۶]. طرح کامل‌تری از این تصاویر را در نقاشی شماره‌ی ۱۹ کتاب آثارعجم می‌توان مشاهده نمود (برای بررسی مطالب فرصت در این‌باره بنگرید به فرصت‌الدوله شیرازی،۱۳۵۴: ۱۵۹-۱۶۱).

۱-۴-۲: طراحی‌ها و تصاویر این بخش اگرچه در هر دو قالی به‌طور کلی شباهت دارند امّا تفاوت‌هایی نیز در آن دیده می‌شود (نک. جدول ۱). این بخش طرحی از پلکان ورودی تخت‌جمشید است که دربردارنده‌ی تصاویر جامعه‌ی روستایی ایران در روزگار قاجار است. در سمت چپ این بخش چهار روستایی با گوسفندانشان به تصویر درآمده‌اند که در تصاویر مربوط به حیوانات تفاوت‌هایی در دو قالی مشاهده می‌شود. در بالای این بخش عبارت: «دیوار و سد جلو تخت‌جمشید» قید شده است. بعد از آن پله‌های سمت چپ که در قالی شیکاگو فردی روستایی با دست‌های برافراشته و نیز فردی بر روی پله دیده می‌شود و در فرش ایران این دو فرد، وجود ندارد (نک. جدول ۱).

در قسمتی از دیوار پله‌ها این عبارت آمده است: «رسته‌ی پله‌های اول سمت دست چپ که رو به شمال بالا می‌روند». بر بدنه‌ی پله‌ها هم چهار بار کلمه‌ی «سده» به معنی سد قید شده است و یک بار هم عبارت: «سده کنار پله‌ها» قید شده است. بر فراز پله‌ها این‌بار سه‌مرتبه کلمه‌ی «سده» آمده است و درکنار آن‌ها، یعنی بر فراز پله‌ها این عبارت آمده است: «رسته‌ی پله‌های دوّم دست چپ که رو به جنوب بالا می‌روند». بر بدنه‌ی میانی دیوار دو پله نیز با خط درشت آمده است: «دیوار و سدّ جلو تخت‌جمشید». در زیر این عبارت در فرش ایران مرد و زنی روستایی به همراه یک گوسفند وجود دارد حال آن‌که در فرش شیکاگو علاوه بر این مرد و زن، روستاییان دیگری هم به همراه یک الاغ دیده می‌شود (نک. جدول ۱). از کنار زن روستایی تا پله‌های سمت راست و بر بدنه‌ی همان پله‌ها از نگاه روبه‌رو کلمه‌ی «سده» نُه بار تکرار شده است. یک بار هم قید شده است: «سده کنار پله‌ها» بر بدنه‌ی پله‌های سمت راست نیز درست به قرینه‌ی پله‌های پیشین این عبارت دیده می‌شود: «رسته‌ی پله‌های دوّم دست راست که رو به شمال بالا می‌روند». در پایین پله‌ها نیز همین عبارت امّا بدین‌گونه آمده است «رسته‌ی پله‌های اول سمت دست راست را که رو به جنوب بالا می‌روند». با این توضیحات طراح هنرمند حرکت چرخشی پله‌ها و جهت‌های آن‌ها را شرح داده است. در منتهی‌الیه سمت راست این بخش نیز برای آخرین بار این عبارت خوانده می‌شود «دیوار و سدّ جلو تخت‌جمشید». با اشاره به این نکته که هر دو فرش در این قسمت نیز تفاوت‌هایی دارند (نک: تصویر ۱۲ و ۱۳).



تصویر ۱۲- سمت راست: بخش چهارم از کادر میانی در فرش ایران.



تصویر ۱۳- سمت چپ: بخش چهارم از کادر میانی در فرش دانشگاه شیکاگو

بخش پنجم از کادر میانی فرش ۱-۵ (تصویر ۱۴ و ۱۵)

این بخش نیز با شماره‌ی ۱-۵ در کادر میانی قابل مشاهده است (تصویر ۴) که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

۱-۵: پایین‌ترین بخش از قاب میانی این فرش دربردارنده‌ی عبارت‌های فارسی و نشانه‌های خطّ میخی است که شرح آن از نظر خواهد گذشت. در سمت چپ این بخش عبارتی در چهار سطر بدین‌مضمون آمده است: «نقوش تمام خطوط میخی آن‌جا که منقوره بر احجار هستند به واسطه‌ی عدم مجال در این‌جا میسر نبود که نوشته شود مگر معدودی و پاره‌ای از مضامین آن‌ها به خط عجمی مرقوم افتاد و فقط محض نمودن رسم‌الخط و طرز خط مذکور بر نظرکنندگان حروف تهجّی آن در وسط ذیل نگاشته آمد».

بعد از آن فرصت سی‌چهار نشانه‌ی میخی به همراه معادل فارسی آن را در جدولی به تصویر کشیده است. در این جدول نخستین نشانه‌های درج شده از سوی فرصت شیرازی مشاهده می‌شود؛ این حروف از فارسی باستان به درستی آمده است: «a، b^a، p^a، t^a، t^u، $ç^a$، $ə^a$، s^a؛?، j^i، j^a، x^a» تنها نشانه‌ی نامعمول در جنب حرف (ج) در جدول قید شده است (نیز بنگرید به تصویر ۱۴ و ۱۵). با نگاهی به کتاب آثار عجم درمی‌یابیم که فرصت‌الدوله به خطای سهوی کاتب هخامنشی پی برده است؛ امّا خود نیز در توضیح آن دچار اشتباه شده است؛ به‌گونه‌ای که آن حرف نامعمول را (نک. تصویر ۱۴ و ۱۵) معیاری برای حرف (ج) در نظر آورده و این‌گونه می‌گوید: «این یک رقم از جیم است که در اکثر کلمات آن‌ها یافت می‌شود ولی در یکی از منقورات حرفی دیده‌شده که آن حرف ناچار است از این‌که جیم باشد و آن به این شکل است، ندانستند که این هم یک صورت برای جیم است یا این‌که سهو از کاتب و حجار بوده است» (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۴: ۱۴۷).


۵-۱

تصویر ۱۴- سمت راست: بخش پنجم از کادر میانی در فرش موزه‌ی فرش ایران.


۵-۱

تصویر ۱۵- سمت چپ: بخش پنجم از کادر میانی در فرش دانشگاه شیکاگو

این اشاره دقیقاً برعکس است؛ یعنی صورت صحیح این حرف که امروزه با آن آشنا هستیم؛ همان «j^a» است و آن صورت نامعمول به احتمال خیلی زیاد خطای کاتب هخامنشی بوده است. جالب این‌که در اثر دیگری هم از ایشان این اشتباه دیده نمی‌شود و دو صورت صحیح حرف (ج) قید شده است (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۲۲: ۲۸). در ادامه نشانی‌های موجود در فرش، این حروف درج شده‌اند: «d^a، d^i، d^u، r^a، r^u، z^a، c^a؟،؟، $š^a$، f^a، k^a، k^u، g^a» که تنها ایرادهای آن نخست حرفی است که به فارسی «س» نوشته است (نک. تصویر ۱۴ و ۱۵)؛ منطقی‌تر آن بود که به‌صورت «چ» نوشته می‌شد و همین بیانگر آن است که فرصت‌الدوله شیرازی صورت آوانگاری منبعی را که استفاده می‌کرده است یعنی حرف «č» را «س» پنداشته است. این ایراد در کتاب آثارعجم نیز مشاهده می‌شود (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۴: ۱۴۷). با این‌حال او در کتاب دیگر خود این نقص را برطرف کرده و صورت صحیح «چ» را برای این حرف درج کرده است (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۲۲: ۲۸). ایراد دوّم صورت نامعمول حرف «ش» است که علاوه بر صورت صحیح آن یعنی «$š^a$» نوع دومی را نیز درج کرده است (نک. تصویر ۱۴ و ۱۵) و در کتاب آثار عجم، همین صورت اشتباه برای حرف «ش» آمده است (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۴: ۱۴۷).

این اشتباه در کتاب صرف و نحو خطّ آریا دیده نمی‌شود و تنها صورت صحیح آن آمده است (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۲۲: ۲۹). آخرین حروف خطِ میخی که او به درستی آورده است بدین قرار است: «m^a، m^i، m^u، n^a، v^a، u، v^i، h^a، y^a، i» که بعد از آن‌ها علامت واژه‌ی جداکن نیز آمده است و در قسمت پایانی همین کادر

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

نوشته شده است: «تمام شد». بنابراین فرصت‌الدوله شیرازی ۳۴ نشانه میخی را برای ما در این فرش به یادگار گذاشته است. در زیر حروف میخی در یک سطر و در چهار کادر از راست به چپ این عبارت آمده است: «خطوط میخی بر چند قسم است، همه قریب به هم ولی این رقمش بهتر است محاذی هر حرفی از خطوط عجمی که دو یا سه رقم نوشته شده ارقام متعدده همان یک حرفند این خط را از طرف دست چپ به سوی دست راست می‌نوشته‌اند». منظور فرصت از چند قسم حروف میخی همان سه زبانه بودن آن‌ها (فارسی باستان، عیلامی هخامنشی و بابلی هخامنشی) است که صورت فارسی باستان را بهتر دانسته است. سرانجام در حاشیه‌س سمت راست این بخش نیز این عبارت در چهار سطر آمده است: «متن قالی نقشه تمام پرسی‌پُلیس که مشهور است به تخت‌جمشید در مرودشت فارس هر سرایی را یک یا دو پادشاه ساخته که اسم آن‌ها به خطّ میخی بر احجار عمارات منقور است. در این‌جا مختصری از ترجمه‌ی آن خطوط به موضع خود به عجمی نوشته‌شده (نک. تصویر ۱۴ و ۱۵). بایسته است به این نکته نیز اشاره شود که در حاشیه، چپ و راست این بخش در فرش دانشگاه شیکاگو، طرح موسوم به گل و مرغ نیز مشاهده می‌شود (تصویر ۱۵).

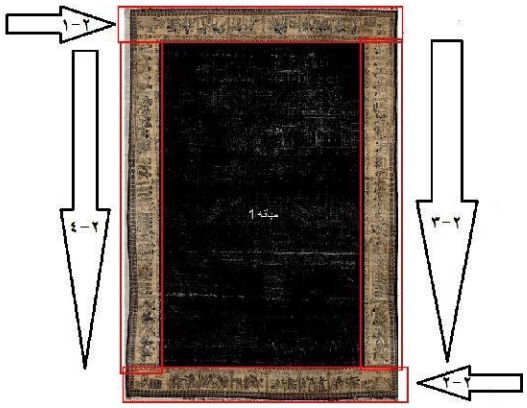
جدول ۱- تفاوت‌های موجود در کادر میانی فرش‌ها، سمت راست فرش ایران و سمت چپ فرش دانشگاه شیکاگو

فرش ایران	فرش دانشگاه شیکاگو
۱-۱-٤	۱-۱-٤
۱-۱-٥	۱-۱-٥
۱-۱-٦	۱-۱-٦
۱-۲-٥	۱-۱-٦
۱-۳-۲	۱-۳-۲
۱-٤-۲	۱-٤-۲

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

تصاویر، طرح‌ها و متن‌های موجود در حاشیه‌ی فرش

این فرش دربردارنده‌ی چهار حاشیه است که با شماره‌ی ۲ مشاهده می‌شوند. حاشیه‌ی بالا و پایین فرش، شماره‌ی ۱ و ۲ است و حاشیه‌ی سمت راست و چپ نیز با شماره‌های ۳ و ۴ مشخص می‌شوند (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۶- بخش‌های حاشیه‌ای فرش که به ترتیب: بالا (۱)، پایین (۲)، راست (۳) و چپ (۴) هستند.

حاشیه‌ی بالا و پایین فرش ۲-۱ و ۲-۲ (تصویر ۱۷ و ۱۸)

این بخش دارای هشت منظره‌ی متفاوت است و از آن‌جا که تصاویر این بخش اغلب به‌صورت قرینه در هر دو حاشیه بالا و پائین مشاهده می‌شوند؛ شرح هر دو حاشیه با هم از نظر خواهد گذشت (تصویر ۱۷ شماره‌های ۲-۱ و ۲-۲). این قرینگی به‌صورت مورب است؛ به‌همین خاطر حاشیه‌ی بالا از چپ به راست (از نگاه روبه‌رو) و حاشیه پایین از راست به چپ، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲-۱-۱ و ۲-۲-۱: در حاشیه‌ی بالای گوشه‌ی سمت‌چپ (۲-۱) و به قرینه‌ی همان در حاشیه‌ی پایین گوشه‌ی سمت راست قالیِ موجود در ایران (۲-۲) تصویر آرامگاه کورش دیده می‌شود و متن مندرج در هر دو کادر بدین‌قرار است: «دخمه کوروش، یعنی کیخسرو در مشهد مادرسلیمان در فارس». در کنار تصویر آرامگاه هم واژه‌ی «دخمه» در کادر کوچکی قید شده است. این تصویر در کتاب آثار عجم با شماره ۳۵ چاپ شده است؛ هرچند که در جزئیات تفاوت‌های اندکی دارند (برای بررسی توضیحات فرصت‌الدوله در این‌باره بنگرید به فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۴: ۲۲۸-۲۳۰، همچنین Duchesne-Guillemin, 1964: 555) در فرش دانشگاه شیکاگو هرچند که تصویر حاشیه‌ی بالا به مانند فرش ایران است امّا تصویر گوشه‌ی پایینی حاشیه‌ی سمت راست، آتشکده یا همان (کاخ اردشیر بابکان) در فیروزآباد نقش بسته است (نک: تصویر ۱۸ و جدول ۲). این طرح در قالی مذکور تصویر شماره‌ی ۱۲ کتاب آثار عجم را دربرمی‌گیرد. این تصویر در قالی موزه‌ی فرش ایران دیده نمی‌شود[۷].

۲-۱-۲ و ۲-۲-۲: پس از آن و در کنار طرح آرامگاه کورش، یکی از نقش‌برجسته‌های نقش رجب مشاهده می‌شود که در فراز آن فرصت این عبارت را آورده است: «تاج‌بخشی اردشیر بشاپور پسر خود در مرودشت فارس مشهور به نقش رجب» و در کنار یکی از سواران نام «اردشیر» و در کنار یکی دیگر نام «شاپور» قید شده است. برخی از پژوهشگران، این صحنه را تاج‌ستانی شاپور از نماینده‌ی اهورَمزدا عنوان کرده‌اند (سامی، ۱۳۸۹: ۱۲۹-۱۳۰). در تصویر شماره‌ی ۲۹ کتاب آثار عجم این نقش‌برجسته دیده می‌شود. همین تصویر و متن در قرینه‌ی حاشیه‌ی سمت راست، پایین فرش ایرانی

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

آمده است. در فرش شیکاگو امّا تصویر بالای قالی به فرش ایران کاملا شباهت دارد امّا نقش قرینه‌ی پایین فرش کاملا متفاوت است. در این فرش تصویری از نقش‌رستم است که بهرام دوّم را در میان درباریان به نمایش نهاده است (نک. جدول ۲). در فرش ایرانی این نقش در حاشیه‌ی سمت راست (۲-۳-۴) مشاهده می‌شود که از نظر خواهد گذشت.

۲-۱-۳ و ۲-۲-۳: پس از صحنه‌ی فوق، نقش بالای قالی در هر دو فرش یکسان است و به صحنه‌ای از نقش رستم تعلق دارد که امروزه به نقش نرسی و آناهیتا شهره است؛ فرصت اماً در بالای این تصویر این عبارت را آورده است: «تاج‌بخشی بهرام بزن خود در مرودشت فارس در کوه نقش رستم» و در میان طرح آمده است: «بهرام گور». در فرش ایرانی این طرح و عبارت‌های آن در قرینه‌ی پایین قالی سمت راست تکرار شده است. در فرش دانشگاه شیکاگو هرچند که طرح حاشیه‌ی بالا (۲-۱-۳) با فرش ایران یکسان است امّا در حاشیه‌ی پایین (۲-۲-۳) این صحنه به دیهیم‌ستانی شاپور در تنگ چوگان تعلق دارد (نک. جدول ۲). نقشی که تصویر آن با شماره‌ی ۳۸ در کتاب آثارعجم قابل مشاهده است (برای بررسی این نقش‌برجسته بنگرید به گروسی، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

۲-۱-۴ و ۲-۲-۴: صحنه‌ی بعدی، در هر دو حاشیه‌ی بالا و پایین فرش ایران و نیز در حاشیه‌ی بالایی فرش دانشگاه شیکاگو به صحنه‌ی پیروزی شاپور بر اسرای رومی تعلق دارد و بر فراز آن این عبارت آمده است: «شاپور پسر اردشیر ولرین پادشاه روم را معزول می‌کند و سیریدس را منصوب». در کادری کنار شاپور این عبارت دیده می‌شود: «شاپور در مرودشت فارس مشهور به نقش‌رستم». در کنار فرد ایستاده نوشته شده است: «سیریدس». امروزه می‌دانیم که این فرد والرین است که شاپور با دستان خود به اسارت درآورده است. و در برابر کسی که جلو شاپور زانو زده است نوشته شده: «ولرین» که بنابر پژوهش‌های امروزین از این فرد با عنوان فیلیپ عرب یاد می‌کنند. این صحنه با شماره‌ی ۳۲ در کتاب آثار عجم نیز دیده می‌شود. طرح قرینه‌ی موجود در حاشیه‌ی پایین، فرش دانشگاه شیکاگو امّا (۲-۲-۴) به دیهیم‌ستانی اردشیر از اهورَمزدا در فیروزآباد فارس تعلق دارد که از جمله‌ی نخستین نقش‌برجسته‌های ساسانی است (نک. جدول ۲). تصویری که با شماره‌ی ۱۴ در کتاب آثارعجم هم قابل مشاهده است (برای بررسی این نقش‌برجسته بنگرید به گروسی، ۱۳۸۸: ۱۰۶-۱۰۷).

۲-۱-۵ و ۲-۲-۵: بعد از آن در حاشیه‌ی بالا و پایین فرش ایران و نیز در حاشیه‌ی بالای فرش دانشگاه شیکاگو نقش شاپور و درباریان را در نقش رجب می‌توان مشاهده نمود که بر فراز آن این عبارت آمده است: «شاپور پسر اردشیر در مرودشت فارس پشت کوه تخت‌جمشید مشهور به نقش رجب». طرحی که در عکس شماره‌ی ۲۹ کتاب آثارعجم نیز دیده می‌شود. حاشیه‌ی پایین فرش دانشگاه شیکاگو امّا (۲-۲-۵) به نقش‌برجسته‌های برم‌دلکِ شیراز تعلق دارد که در کتاب آثار عجم در تصویر شماره‌ی ۲ همان کتاب قابل مشاهده است (نک. جدول ۲).

۲-۱-۶ و ۲-۲-۶: این بخش در قالیِ موزه‌ی فرش ایران یعنی حاشیه‌ی سمت راست بالا و به قرینه‌ی همان در حاشیه‌ی سمت‌چپ پایین و نیز در فرش دانشگاه شیکاگو یعنی حاشیه‌ی سمت راست بالا به صحنه‌ی تاج‌بخشی اهورَمزدا به شاپور در نقش رجب تعلق دارد که بر بالای آن این عبارت آمده است: «تاج‌بخشی اورمزد بشاپور پسر اردشیر بابکان ایضاً مشهور به نقش رجب». همچنین در کنار دو چهره‌ی انسانی این طرح نام‌های «اورمزد» و «شاپور» آمده است. حاشیه‌ی پائین فرش دانشگاه شیکاگو (۲-۲-۶)، به نقش‌برجسته‌ی شاپور در داراب فارس تعلق دارد که نقاشی کامل‌تر آن در شماره‌ی ۸ کتاب آثارعجم قابل مشاهده است (نک. جدول ۲).

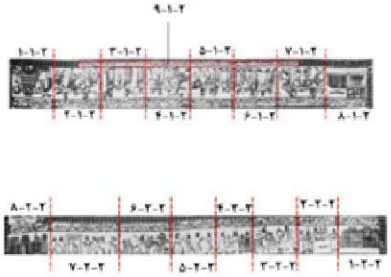
۲-۱-۷ و ۲-۲-۷: این بخش در فرش ایران که در حاشیه‌ی بالا و پایین، سمت راست و چپ مشاهده می‌شود و نیز در حاشیه‌ی بالای فرش دانشگاه شیکاگو به تاج‌ستانی اردشیر از اورمزد در نقش رستم فارس تعلق دارد که نام‌های «اورمزد» و «اردشیر» در کنار آنان قید شده است. در زیر پای اسبان نیز افرادی دیده می‌شوند که فرصت از آن‌ها با نام «اسیران روم» یاد کرده است. امروزه فردی را که زیر پای اسب اورمزد است اهریمن و فرد کشته‌شده زیر پای اردشیر

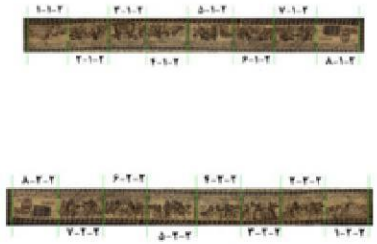
[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

را اردوان عنوان می‌کنند. بر فراز آن‌ها نیز این عبارت آمده است: «تاج‌بخشی اورمزد باردشیر بابکان در مرودشت فارس مشهور به نقش رستم». این تصویر در کتاب آثارعجم با شماره‌ی ۳۰ با جزئیات بیشتری دیده می‌شود. در گوشه‌ی سمت راست حاشیه پایین فرش دانشگاه شیکاگو (۲-۲-۷) امّا تصویری از قصر ابونصر شیراز دیده می‌شود که بسیار حائز اهمیّت است (نک. جدول ۲). در این تصویر سه درگاه، به مانند درگاه‌های تچر دیده می‌شوند؛ هرچند که امروزه می‌دانیم یکی از آن‌ها را به تخت‌جمشید انتقال داده‌اند؛ با این حال باید اشاره شود که بنابر اشاره‌ی فرصت‌الدوله آن‌جا چهار درگاه وجود داشته است که تنها یکی از آن‌ها برپای بوده است (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۴: ۱۱-۱۲). همچنین نقش‌برجسته‌هایی بر قطعه‌ی سنگی در آن مکان وجود داشته است که از جمله‌ی آن فردی است که اسبی را که بر دوپای خود ایستاده است، حمل می‌کند. فرصت‌الدوله علاوه بر طرح فوق که در قالی دیده می‌شود؛ در تصویر شماره‌ی ۱ کتاب آثار عجم نیز آن را نشان داده است. این سنگ و حجاری‌های موجود در آن امروزه وجود ندارد.

۲-۱-۸ و ۲-۲-۸: در حاشیه‌ی بالای گوشه‌ی سمت راست و درست در قرینه‌ی همان در حاشیه‌ی پایین گوشه‌ی سمت چپ تصویر در فرش ایران کعبه‌ی زرتشت و آرامگاه روبه‌روی آن، موسوم به آرامگاه داریوش دوّم در نقش‌رستم دیده می‌شود. در کادر بالای این نقش این‌گونه آمده است: «دخمه‌ب فریدون در کوه نقش رستم و کعبه‌ی زرتشت در دشت مرودشت فارس». در کنار آرامگاه نیز عبارت: «دخمه‌ی فریدون» و در کنار طرح کعبه‌ی زرتشت هم جمله‌ی: « کعبه‌ی زرتشت پنجاه قدم دور از کوه» آمده است. هرچند که تصویر شماره‌ی ۳۳ کتاب آثار عجم هم به همین نقش‌ها اشاره دارد امّا کاملا با طرح قالی موزه‌ی فرش تفاوت دارند (فرصت‌الدوله شیرازی،۱۳۵۴: ۲۱۸). در فرش دانشگاه شیکاگو نیز در حاشیه‌ی بالای فرش، گوشه‌ی سمت راست همین طرح مشاهده می‌شود. امّا حاشیه‌ی پایین گوشه‌ی سمت چپ در قالی دانشگاه شیکاگو (۲-۲-۸) به کاخ بهرام در سروستان تعلق دارد (نک. جدول ۲). این نقش در کتاب فرصت‌الدوله با شماره‌ی ۵ دیده می‌شود (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۴: ۸۲)[۸] و در فرش ایران وجود ندارد.

۲-۱-۹: سرانجام بایسته است به این نکته نیز اشاره داشت که در فرش دانشگاه شیکاگو و بر فراز حاشیه‌ی بالای فرش این عبارت دیده می‌شود: «بر حسب فرمایش جناب جلالت‌مآب آقای اسدالله‌خان بهجت‌الملک نایب‌الایاله فارس در شیراز جنت‌طراز میرزا آقای فرصت شیرازی بنیاد طرح و نقشه و اشکال این قالی را نهاده بتحریر و ترجمه خطوط قدیمه و بتفصیل این ابنیه‌خانه کشاد و سپس در دارالامان کرمان در کارخانه نود و دو قره‌چه‌داغی بافته آمد». این متن در فرش موجود در ایران در دو حاشیه‌ی چپ و راست آمده است (برای بررسی تمامی موارد ذکر شده نک. تصاویر ۱۷ و ۱۸).



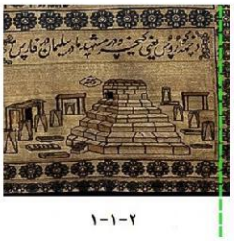
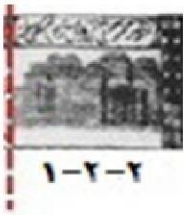
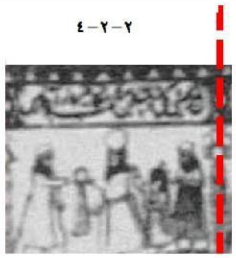
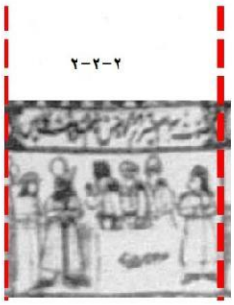
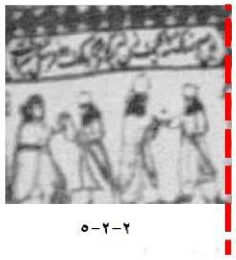
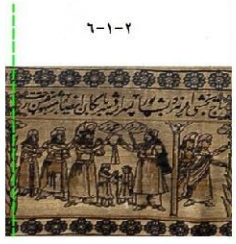
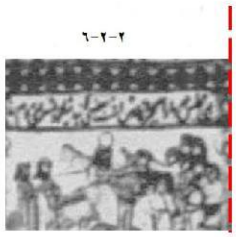
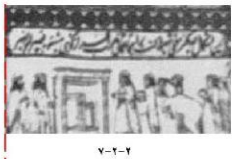
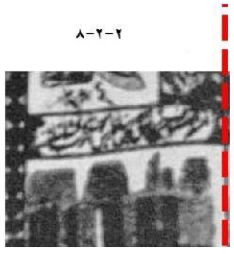


تصویر ۱۷- سمت راست: دو حاشیه‌ی بالا و پائین در قالی موزه‌ی فرش و تصاویر قرینه که با شماره‌ی یکسان، به‌صورت مورب مشاهده می‌شوند.

تصویر ۱۸- سمت چپ: دو حاشیه‌ی بالا و پایین در فرش دانشگاه شیکاگو، حاشیه‌ی بالا درست به مانند فرش موجود در ایران است و حاشیه‌ی پایین تفاوت دارد.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

جدول ۲- تفاوت‌های موجود در حاشیه‌ی بالا و پایین فرش‌ها، سمت راست فرش ایران و سمت چپ فرش دانشگاه شیکاگو

فرش ایران	فرش دانشگاه شیکاگو	فرش ایران	فرش دانشگاه شیکاگو
 ۱-۱-۲	 ۱-۲-۲	 ٤-۱-۲	 ٤-۲-۲
 ۲-۱-۲	 ۲-۲-۲	 ٥-۱-۲	 ٥-۲-۲
 ۳-۱-۲	 ۳-۲-۲	 ٦-۱-۲	 ٦-۲-۲
 ۷-۱-۲	 ۷-۲-۲	 ۸-۱-۲	 ۸-۲-۲

حاشیه‌ی سمت راست دو قالی مورد بررسی ۲-۳ (تصویر ۱۹ و ۲۰)

این بخش با شماره‌ی ۲-۳ در تصویر ۱۶ قابل مشاهده است که دربردارنده‌ی تصاویر، متن و طرح‌های موجود در حاشیه‌ی سمت راست هر دو قالی از نگاه روبه‌رو است و با لایه‌بندی تصاویر از نظر گذرانده می‌شود. فرش ایران دربردارنده‌ی شش صحنه و فرش دانشگاه شیکاگو پنج صحنه را دربردارد.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

۲-۳-۱: بالاترین طرح از حاشیه‌ی سمت راست در قالی موزه‌ی فرش ایران، بخش‌هایی از نقش‌برجسته‌ی تاج‌ستانی اردشیر از اورمزد در فیروزآباد فارس است که در کادر بالای آن نوشته شده است: «تاج‌بخشی یکی از پادشاهان»، در صحنه‌ی بعدی که بدان خواهیم پرداخت، صورت کامل آن نیز به تصویر درآمده است. فرش دانشگاه شیکاگو، در این بخش، دربردارنده‌ی طرحی از یکی از نقش‌برجسته‌های تنگ سروک است که بر فراز آن این عبارت آمده است: «صورت بعضی از سلاطین ساسانی در تنگ سروک به تقریبی ۹ فرسنگ... در بهبهان فارس» (نک. جدول ۳). امروزه می‌دانیم این نقش‌برجسته نه از روزگار ساسانی بلکه، به روزگار اشکانی تعلق دارد و مربوط به حاکمان الیمائید است (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۵۴-۵۵). فرصت در کتاب آثار عجم درباره‌ی تنگ سروک و نقش‌برجسته‌های آن اشاره کوتاهی آورده است امّا تصویری از آن ارائه نداده است (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۴: ۴۱۱). بنابراین فرش دانشگاه شیکاگو از این بابت بسیار اهمیّت دارد، به ویژه که فرش موجود در ایران نیز فاقد این تصویر است.

۲-۳-۲: طرح بعدی صورت کاملی از نقش‌برجسته‌ی تاج‌ستانی اردشیر از اورمزد در فیروز آباد فارس است که بر فراز آن، جمله‌ای که نوشته شده است این‌گونه آمده: «تاج‌بخشی یکی از پادشاهان در کوه تنگاب فیروزآباد فارس». نقاشی کامل‌تری از این تصویر را می‌توان با شماره ۱۴ در کتاب آثارعجم مشاهده نمود. در فرش دانشگاه شیکاگو امّا با یکی از نقش‌های تنگ چوگان فارس روبه‌رو می‌شویم (نک: تصویر ۲۰) که این عبارت در آن قابل خوانش است: «صورت بعضی از سلاطین ساسانی بر کوهی در تنگ چوگان شاپور کازرونِ فارس»(نک. جدول ۳). به‌نظر می‌رسد این طرح بخشی از تصویر شماره‌ی ۳۹ کتاب آثار عجم باشد.

۲-۳-۳: این بخش در فرش ایران نیز نقش‌برجسته‌ی شاپور است که پیروزی‌اش بر امپراتوران روم را نشان می‌دهد. این همان نقش‌برجسته‌ای است که امروزه بسیار آسیب دیده است و پژوهشگران آن را به شاپور، گردیانوس و فیلیپ منتسب می‌کنند و والرین در آن وجود ندارد. با این‌حال عبارتی که فرصت‌الدوله بر فراز این طرح نوشته است بدین‌قرار است: «صورت پایمال کردن شاپور ولرین را در تنگ چوگان شهر شاپور کازرون[۹]» این صحنه را می‌توان با شماره‌ی ۳۸ در کتاب آثار عجم دید. در فرش دانشگاه شیکاگو اما این بخش به یکی از نقش‌برجسته‌های تنگ چوگان پرداخته است که درباره‌ی انتساب آن نظرات متفاوتی بیان داشته‌اند و چون در حاشیه‌ی سمت چپ فرش ایران نیز قابل مشاهده است، جلوتر بدان پرداخته می‌شود (نک. جدول ۳).

۲-۳-۴: این بخش (نک: تصویر ۱۹) در فرش ایرانی طرحی از نقش‌برجسته‌ی بهرام در نقش‌رستم است که در فرش شیکاگو در حاشیه پائین آن، با شماره (۲-۲-۲) شرح آن گذشت. بر فراز این طرح این جمله آمده است: «صورت بهرام پسر هرمز در کوه نقش‌رستم در مرودشت فارس». در قالی دانشگاه شیکاگو امّا طرحی از نبرد هرمزدگان دیده می‌شود که در قرینه‌ی حاشیه‌ی سمت راست همان قالی دیده می‌شود (نک. جدول ۳). از آن‌جا که این نقش‌برجسته بزرگ‌ترین نقش‌برجسته‌ی ساسانی است بخش‌های متفاوتی از آن در دو سوی قالی مشاهده می‌شود که مکمل یکدیگر هستند.

۲-۳-۵: بعد از آن (نک: تصویر ۱۹) در فرش ایرانی نقش‌برجسته‌ی بزرگ شاپور ساسانی در تنگ چوگان است. بر فراز این طرح جمله‌ای بلند و به این مضمون آمده است: «صورت شاپورشاه بر کوه تنگ چوگان شهر شاپور که از مضافات کازرون فارس است این پادشاه ولرین شاه روم را دستگیر کرده به اسیری آورده و سطری به خطّ پهلوی نوشته منم خداپرست شاپور شاهنشاه مملکت‌ها». این طرح با شماره‌ی ۳۹ در کتاب آثار عجم آمده است. نکته: چنین نبشته‌ای از شاپور ساسانی بر روی این نقش از سوی پژوهشگران گزارش نشده است؛ این نقش‌برجسته در حال حاضر کتیبه‌ای به خطّ پهلوی متصل و در ۵ سطر دارد که به کتیبه‌ی ماه‌آذر شهره است و مربوط به اوایل دوران اسلامی است (Hinz, 1969: 173–180)[۱۰]. در فرش دانشگاه شیکاگو امّا تصویری از مجسمه‌ی شاپور در غارشاپور دیده می‌شود که قالی ایرانی فاقد آن است (نک. جدول ۳). نقاشی این مجسمه در کتاب آثارعجم با شماره‌ی ۴۲ دیده می‌شود.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

۲-۳-۶: این تصویر (نک: تصویر ۱۹) در قالی موزه‌ی فرش ایران، تصویری از جنگ سواران در نقش‌رستم است که فرصت‌الدوله بر فراز آن این عبارت را آورده است: «صورت جنگ پادشاهان قدیم بر پایین کوه نقش‌رستم در مرودشت فارس بعضی از اهل سیاحت گفته‌اند که این رزم اشکانیان است» این تصویر را می‌توان در نقاشی شماره‌ی ۳۱ کتاب آثار عجم مشاهده نمود. فرش دانشگاه شیکاگو نسبت به قالی موزه‌ی فرش ایران در این قسمت یک صحنه کمتر دارد. همچنین در این حاشیه (فرش ایران) متنی وجود دارد که با علامت * مشخص شده است و بر آن این عبارت دیده می‌شود: «بر حسب فرمایش جناب جلالت‌مآب آقای اسدالله خان بهجت‌الملک نایب‌الایاله فارس در شیراز جنت‌طراز میرزا آقای فرصت شیرازی» (برای بررسی تمامی موارد نک: تصاویر ۱۹ و ۲۰).

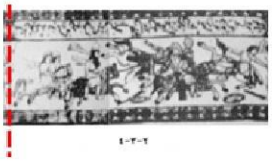
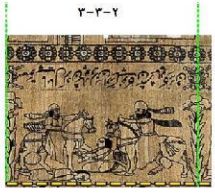


تصویر ۱۹- حاشیه‌ی سمت‌راست قالی موزه فرش ایران



تصویر ۲۰- حاشیه‌ی سمت‌راست فرش دانشگاه شیکاگو

جدول ۳- تفاوت‌های موجود در حاشیه سمت راست فرش‌ها، سمت چپ فرش موجود در آمریکا و سمت راست فرش ایران

فرش ایران	فرش دانشگاه شیکاگو	فرش ایران	فرش دانشگاه شیکاگو
			
			
			

حاشیه‌ی سمت چپ دو قالی مورد بررسی ۲-۴ (تصویر ۲۱ و ۲۲)

این بخش با شماره‌ی ۲-۴ در تصویر ۱۶ قابل مشاهده است که دربردارنده‌ی تصاویر، متن و طرح‌های موجود در حاشیه‌ی سمت چپ هر دو قالی از نگاه روبه‌رو است و با شماره‌گذاری بر روی تصاویر از نظر گذرانده می‌شود.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

۲-۴-۱: بالاترین صحنه از حاشیه‌ی سمت چپ قالی موزه‌ی فرش ایران، در زیر طرح پاسارگاد (۲-۱-۱) مشاهده می‌شود و طرحی از بانویی است که در بالای آن این عبارت آمده است: «دلک دو فرسنگی شیرازست» که بخشی از نقش‌برجسته‌ی برم‌دلک شیراز به‌شمار می‌رود. در فرش دانشگاه شیکاگو امّا صحنه‌ای دیگر از تنگ سروک مشاهده می‌شود. این صحنه که فرصت آن را به تصویر کشیده است جالب است و با آثار به‌جای مانده از تنگ سروک که مربوط به روزگار اشکانی است متفاوت است! (نک. جدول ۴). در کادر بالای آن این عبارت قابل خوانش است: «صورت بعضی از سلاطین بهمئی[۱۱] در تنگ سروک نقر شده بر صخره...» (برای بررسی آثار تنگ سروک نک. گریشمن، ۱۳۹۰: ۵۴-۵۵). تصاویر تنگ سروک در کتاب آثار عجم و در فرش موجود در ایران نیامده است.

۲-۴-۲: دومین طرح (نک: تصویر ۲۱) ادامه‌ی نقش‌برجسته‌ی برم‌دلک است که این عبارت درباره‌ی آن آمده است: «این صورت‌ها سه مرد و یک زن‌اند بر کوه برم‌دلک دو فرسنگی شیرازست» (برای بررسی مطالب فرصت درباره‌ی این نقش‌ها و مشاهده‌ی تصاویر آن بنگرید به فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۴: ۱۳-۱۴). امّا در فرش دانشگاه شیکاگو، تصویری که در این بخش مشاهده می‌شود یکی از نقش‌برجسته‌های تنگ چوگان کازرون است (نک: تصویر ۲۲ و جدول ۴).) و این عبارت در بالای آن خوانده می‌شود: «نقشه‌ی تاج آوردن برای یکی از ساسانیان در تنگ چوگان کازرون فارس». به نظر می‌رسد این تصویر مربوط به نقش‌برجسته‌ی موسوم به بهرام دوّم باشد (سامی، ۱۳۸۹ ج ۲: ۱۴۷).

۲-۴-۳: طرح بعدی (نک: تصویر ۲۱) مربوط به نقش‌برجسته‌ی دارابگرد فارس است که فرصت‌الدوله در توضیح آن این عبارت را آورده است: «این مجلس در دارابجرد فارس است بعضی گویند شاپور و اسرای روم‌اند». تصویری که شماره‌ی ۸ کتاب آثار عجم را نیز دربردارد (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۴: ۹۵-۹۶). فرش دانشگاه شیکاگو در این بخش دربردارنده‌ی صحنه‌ای از نقش‌برجسته‌ی بزرگ شاپور ساسانی بر تنگ چوگان است (نک. جدول ۴). که در کتاب آثار عجم با شماره‌ی ۳۹ نیز دیده می‌شود. این نقش در حاشیه‌ی سمت راست قالی ایران (۲-۳-۵) آمده است که ذکر آن گذشت.

۲-۴-۴: طرح بعدی در قالی موزه‌ی فرش همان نقش‌برجسته‌ای است که فرصت‌الدوله شیرازی در قصر ابونصر دیده و نقش آن را برای ما به یادگار گذاشته است که این عبارت در بالای آن نوشته شده است: «این اشکال در یک فرسخی شیراز است فراز کوهی مشهور به قصر ابونصر». این تصویر در قالی شیکاگو در حاشیه‌ی پایین قالی (۲-۲-۷) از نظر گذشت. نکته‌ی قابل تأمل در مورد این نقش‌برجسته مشاهده‌ی صفی از مردان است که یک نفر از آنان افسار اسبی را که روی دو پای خود ایستاده است در دست دارد. امروزه چنین نقش‌برجسته‌ای در آن مکان مشاهده نمی‌شود. تصویر شماره‌ی ۱ کتاب آثار عجم به آن تعلق دارد. امّا در فرش شیکاگو، صحنه‌ی نبرد هرمزدگان در تنگاب فیروزآباد فارس به تصویر کشیده شده است (نک. جدول ۴) که در فرش موجود در ایران (۶-۴-۲) نیز آمده است و شرح آن از نظر خواهد گذشت.

۲-۴-۵: بعد از آن در فرش ایران، یکی از نقش‌برجسته‌های تنگ‌چوگان به‌تصویر درآمده است که این عبارت بر فراز آن نوشته شده است: «صورت شاپور اول بر کوه تنگ چوگان شهر شاپور از توابع کازرون فارس سرکردگان روم را به اسیری آورده و دو نفر آن‌ها را سر بریده، اعتقاد بعضی این است که این پادشاه خسروپرویز است و شاپور شاه مذکور نیست». این تصویر در کتاب آثار عجم با شماره‌ی ۴۱ دیده می‌شود. امّا در فرش دانشگاه شیکاگو، نقش انسان بالدار پاسارگاد است که مشاهده می‌شود (نک. جدول ۴) در کتاب آثار عجم این تصویر با شماره‌ی ۳۶ قابل مشاهده است. این طرح در فرش ایرانی دیده نمی‌شود.

۲-۴-۶: آخرین طرح از این بخش در فرش ایران، به نبرد هرمزدگان تعلق دارد که در همین حاشیه در فرش شیکاگو (۲-۴-۴) نیز قابل مشاهده است. جمله‌ای که بر فراز کادر موجود در فرش ایران آمده، این‌گونه است: «صورت رزم سلاطین قدیم بر کوه شمالی فیروزآباد فارس در اول تنگاب بعض از سیاحان گویند می‌نماید که اینها ساسانیان باشند[۱۲]» در همین حاشیه (۲-۴) بر روی فرش ایران، متنی وجود دارد که با علامت ** مشاهده می‌شود و ادامه‌ای بر متنی است که در حاشیه‌ی سمت راست قالی با علامت * پیش‌تر از آن سخن رفت. متن اخیر، بدین‌قرار است: «بنیاد

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

طرح و نقشه و اشکال این قالی را نهاده به تحریر و ترجمه‌ی خطوط قدیمه و به تفصیل این ابنیه‌خانه کشاد و سپس در دارالامان کرمان در کارخانه نود و دو قره‌چه‌داغی بافته آمد» (برای بررسی تمامی موارد نک: تصاویر ۲۱ و ۲۲).

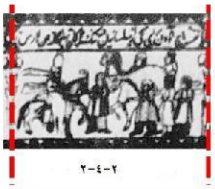
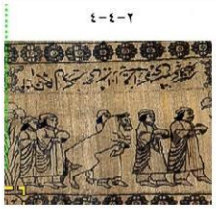


تصویر ۲۱- سمت راست: حاشیه‌ی سمت‌چپ قالی موزه‌ی فرش ایران



تصویر ۲۲- سمت چپ: حاشیه‌ی سمت‌چپ فرش دانشگاه شیکاگو

جدول ۴- تفاوت‌های موجود در حاشیه‌ی سمت چپ فرش‌ها، سمت راست فرش ایران و سمت چپ فرش موجود در آمریکا

فرش ایران	فرش دانشگاه شیکاگو
	
	
	
	
	

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

نتیجه‌گیری

آن‌گونه که از نظر گذشت دو تخته‌ی فرش موجود در موزه‌ی فرش ایران و نیز دانشگاه شیکاگو حاصل دستان هنرمندانی است که با سه شهر شیراز، کرمان و تبریز در پیوند است. فرشی که فرصت‌الدوله شیرازی در شیراز طرح آن را به رشته‌ی تحریر درمی‌کشد و هنرمندان کرمانی در کارخانه‌ی قالی‌بافی موسوم به قراچه‌داغی که اصالتش تبریزی است آن را می‌بافند. هر چند که دو فرش در نگاه کلی به یکدیگر شباهت دارند امّا از منظر فنی تفاوت‌هایی در آن‌ها دیده می‌شود که خود نشانگر وجودِ دو طراحی از این نمونه بوده است.

از جمله تفاوت‌های این دو فرش، به‌کار بردن برخی از تصاویر است که در دیگری وجود ندارد. به‌عنوان مثال فرش ایرانی فاقد تصاویر اشکانی تنگ سروک است یا به نقش‌های انسان بالدار پاسارگاد و تندیس شاپور در غارشاپور کازرون مزین نشده است؛ با این‌حال در فرش موجود در ایران این عنصر قرینه است که برتری دارد. با مطالعه‌ی این فرش فرصت‌الدوله شیرازی را می‌توان یگانه ایرانی دانست که به ثبت و ضبط کتیبه‌های هخامنشی در آن روزگار پرداخته است. جالب این‌که با نگاهی به آثار ایشان که به‌ترتیب از کتاب آثار عجم شروع می‌شود و بعد به طراحی فرش مورد اشاره می‌رسد و سرانجام با کتاب صرف و نحو خطّ آریا اتمام می‌یابد؛ می‌توان روند تکامل دانش او در این حوزه و در آن روزگار را بازشناخت.

اگرچه کتیبه‌های به‌کار برده‌شده در هر دو فرش تنها بخش‌های مختصری از کتیبه‌های موجود در تخت‌جمشید است با این‌حال طراح هنرمند آن، نوشته‌هایی را که در طرح خود ارائه داده و در فرش نیز مشاهده می‌شود کاملاً درست به تصویر کشیده است. به‌گونه‌ای که امروزه هم می‌توان آن‌ها را به‌همین صورت و در همان مکان‌ها مشاهده نمود. بنابراین در پاسخ به پرسش نخستِ این پژوهش می‌بایست این‌گونه ابراز داشت که فرصت‌الدوله کوشیده است تا برابر عینی آثاری را که مشاهده کرده، منعکس کند. با افزودن این مطلب که خلاقیّت شخصی و توان هنری او نیز در این امر دخیل بوده است. در نهایت باید اشاره داشت برهه‌ی زمانی که طراح به خلق اثر خود پرداخته است؛ همزمان است با عصر مشروطه در ایران که پرداختن به نمادهای اصیل فرهنگ ایرانی از جمله مفاهیم اساسی آن روزگار به‌شمار می‌رفته است.

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۴۱
بهار و تابستان ۱۴۰۱

پی‌نوشت

۱- بنابر گزارش دوشِن-گیمَن (Duchesne-Guillemin, 1964: 551) این فرش در هنگام نوشتن گزارش وی در اختیار مؤسسه‌ی شرقی دانشگاه شیکاگو و در باشگاه دانشکده‌ی این دانشگاه قرار داشته است. براساس گزارش چارلز جونز (Charles Jones) در طی یک مکاتبه‌ی شخصی (به تاریخ دهم دسامبر ۲۰۲۰) این فرش بعدتر به نمازخانه یادبود راکفلر (Rockefeller Memorial Chapel) در همین دانشگاه منتقل و بر روی دیوار این بنا نصب شد. پس از مدتی این فرش به فروش رسید و تلاش نگارندگان برای یافتن مالک کنونی و محل نگهداری این فرش به نتیجه‌ی مشخصی ختم نشد. احتمالاً فرش‌های مشابه دیگری نیز در کارگاه مذکور طراحی و بافته شده‌اند که از سرنوشت و محل نگهداری آن‌ها اطلاع دقیقی در دست نیست.

۲- از شاهزادگان و رجال روزگار قاجار که در طول حیات خود با پنج پادشاه ایران: ناصرالدین‌شاه، مظفرالدین‌شاه، محمدعلیشاه، احمدشاه و رضاشاه مناسباتی داشته است. برای بررسی این شخصیّت تاریخی بنگرید به فرمانفرمائیان (۱۳۸۲).

۳- فرصت‌الدوله در این‌باره می‌گوید: «افسانه‌ی چرخ الماس در تخت‌جمشید که در افواه عوام‌الناس شهرتی دارد می‌گویند سوراخی آن‌جاست و در آن چرخی است آتش‌فشان کسی که در آن‌جا رود هلاک خواهد شد و صدای حرکت و گردش آن چرخ را همه‌کس می‌شنود» (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۴: ۱۸۱). ایشان همچنین در مورد کریاس آورده است: «به معنی بالاخانه است و به معنی در بار

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

و جلوخانه نیز آنده» (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۴: ۱۹۶).

۴- ساخت کاخ صدستون احتمالاً توسط خشیارشاه آغاز و توسط اردشیر اول هخامنشی به اتمام رسیده است (نک. اشمیت، ۱۳۴۲: ۱۲۸-۱۳۶؛ Roaf, 1983: 158, Fig. 155).

۵- این بخش از کاخ آپادانا بر خلاف بخش شرقی در زمانی که فرصت‌الدوله شیرازی از تخت‌جمشید بازدید کرده است زیر خاک قرار نداشته است.

۶- این عبارت نشان از دانش فرصت‌الدوله شیرازی و آشنایی‌اش با اساطیر زرتشتی و ایرانی است.

۷- برای بررسی آثار باستانی موجود در پاسارگاد بنگرید به سامی (۱۳۷۵). همچنین برای بررسی آتشگاه فیروزآباد (کاخ اردشیر بابکان) بنگرید به گیرشمن (۱۳۹۰: ۱۲۳-۱۲۵).

۸- برای بررسی نقش‌رستم و آثار موجود در آن بنگرید به Schmidt: 1970. برای بررسی کاخ بهرام در سروستان نیز بنگرید به سامی (۹۸۳۱: ج۰۳۲/۲).

۹- با توجه به این‌که والرین به دست شاپور به اسارت درآمده است در نقش‌برجسته‌ها به صورت کشته شده نشان داده نشده است و فردی که زیر پای شاپور است گردیانوس است.

۱۰- با توجه به این‌که مطالب ارائه شده توسط فرصت‌الدوله بسیار مستند و دقیق است؛ بررسی این نقش‌برجسته در ارتباط با کتیبه‌ای که او یاد کرده است ضروری می‌نماید.

۱۱- نام شهرستانی که تنگ سروک در آن واقع است و در فاصله‌ی ۴۰ کیلومتری بهبهان قرار دارد.

۱۲- برای بررسی این نقش‌برجسته بنگرید به گروسی (۱۳۸۸: ۱۰۳).

فهرست منابع

- اتحادیه، منصوره و سیروس سعدونیان. (۱۳۶۲). *سیاق معیشت در عصر قاجار سیاق اول حکمرانی و ملک‌داری (مجموعه اسناد عبدالحسین‌میرزا فرمانفرما جلد اول اسناد سال‌های ۷۲۳۱-۳۰۳۱ هجری‌قمری)* (چاپ اول). تهران: نشرتاریخ ایران.
- اشمیت، اریش ف. (۱۳۴۲). *تخت‌جمشید/ بناها. نقش‌ها. نبشته‌ها* (ترجمه‌ی عبدالله فریار). تهران: فرانکلین- امیرکبیر.
- بانی‌مسعود، امیر. (۱۳۸۶). بازسازی باغ شمال تبریز بر اساس اسناد و مدارک تاریخی دوره‌ی قاجار، *هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، ۹۲، ۷۸-۶۹.
- سامی، علی (۱۳۷۵). *پاسارگاد پایتخت و آرامگاه کورش هخامنشی (ذوالقرنین)* (به‌کوشش غلامرضا وطن‌دوست). شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- سامی، علی (۱۳۸۹). *تمدن ساسانی* (چاپ‌دوم). تهران: سمت.
- فرصت‌الدوله شیرازی، محمدنصیر. (۱۳۵۴هجری قمری). *آثار عجم* (چاپ دوم). بمبئی: مطبع نادری.
- فرصت‌الدوله شیرازی، محمدنصیر. (۱۳۲۲ هجری قمری). *در نحو و صرف خطّ آریا*. بمبئی: مطلع ناصری.
- فرصت‌الدوله شیرازی، محمدنصیر. (۱۳۳۷). *دیوان فرصت* (به کوشش علی زرّین‌قلم). تهران: کتابفروشی سیروس.
- فرمانفرمائیان، مهرماه. (۱۳۸۲). *زندگی‌نامه‌ی عبدالحسین میرزا فرمانفرما* (چاپ اول). تهران: توس.
- گروسی، رضا. (۱۳۸۸). *پیکره‌ی شاپور اول در زمینه‌ی سنگ‌تراشی و تندیس‌گری ساسانیان*. تهران: ماهی.
- گیرشمن، رومن. (۱۳۹۰). *هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی* (ترجمه‌ی بهرام فره‌وشی، چاپ‌سوم). تهران: علمی و فرهنگی.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

- وندشعاری، علی. (۱۳۸۷). اسطوره‌ی هوشنگ‌شاه در قالی‌های تصویری دوره‌ی قاجاریه. فصلنامه‌ی گلجام، ۱۰، ۸۷-۱۰۰

- Daneshmand, P. (2021). Assyriology in Iran? In A. Garcia-Ventura & L. Verderame (Eds.), *Perspectives on the History of Ancient Near Eastern Studies* (pp. 266–282). Penn State University Press.

- Duchesne-Guillemin, J. (1964). Der Persepolis-Teppich. Antaios, 5, 551–561.

- Hinz, W. (1969). *Altiranische Funde und Forschungen. Mit Beiträgen von Rykle Borger und Gerd Gropp*. De Gruyter.

- Roaf, M. (1983). Sculptures and Sculptors at Persepolis. *Iran*, *21*, i-v+vii+ix-xi+1-164.

- Schlamminger, K., & Wilson, P. L. (1980). *Weaver of tales: Persian picture rugs—Geknüpfte Mythen=Persische Bildteppiche*. Callwey.

- Schmidt, E. F. (1970). *Persepolis III. The Royal Tombs and Other Monuments*. University of Chicago Press.

- Schmitt, R. (in press). Some Notes on Old Persian Cuneiform Texts' on Carpets. *Kārnāme-ye Pārse*.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]